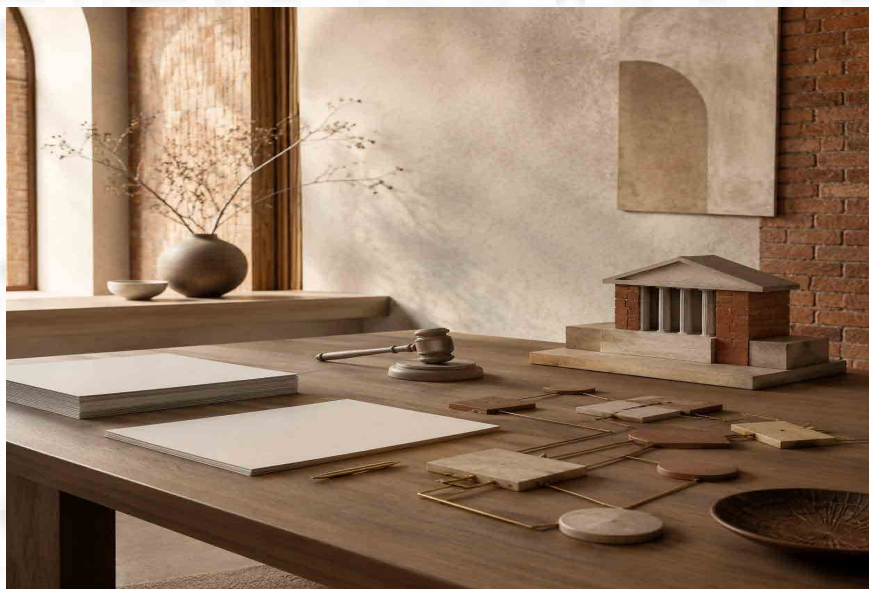
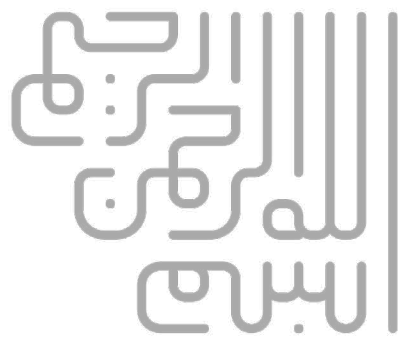


قانونگذاری و تنظیم‌گری‌های آینده‌ساز: نهادینه‌سازی از طریق فرهنگ‌سازی





عنوان: قانونگذاری و تنظیم‌گری‌های آینده‌ساز: نهاده‌ساز از طریق فرهنگ‌سازی

نوع گزارش: طرح/لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■، پیش‌نویس قانونی □

نام دفتر: مطالعات حکمرانی (گروه آینده پژوهی)

مدیر مطالعه: علیرضا نصر اصفهانی

اظهار نظرکننده: محمدجواد آقاجانی (دفتر مطالعات مدیریت)

اظهار نظرکننده خارج از مرکز: مازیار عطاری، زهرا حیدری‌نژاد (بنیاد توسعه فردا)

ناظر علمی: مهدی عبدالحمید

گرافیک و صفحه‌آرایی: سیده فاطمه ابوطالبی، انسیه بها، بزرگی

ویراستار ادبی: مژگان کاظمی

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵



تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۲
Publish Date : 2026/06/23



عنوان: قانونگذاری و تنظیم‌گری‌های آینده‌ساز: نهاده‌ساز از طریق فرهنگ‌سازی
تهیه و تدوین (Author): فاطمه سادات رحمتی
واژه‌های کلیدی: آینده‌نگاری، خط‌مشی‌گذاری آینده‌نگر، نهاده‌ساز آینده‌نگری، فرهنگ‌سازی آینده‌نگری
ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

[Doi: 10.22034/mrc.report.21643](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21643)

Permanent Link:

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. پیشینه.....	۱۰
۳. ضرورت حکمرانی پیش‌نگر.....	۱۱
۴. چرا در میان همه فعالیت‌ها، فرهنگ‌سازی آینده‌نگری در نظام تقنین مهم است؟.....	۱۲
۵. نهادینه‌سازی آینده‌نگاری در خط‌مشی‌گذاری و تقنین از طریق فرهنگ‌سازی.....	۱۳
۱-۵. ادغام نظام‌مند آینده‌نگری در چرخه خط‌مشی‌گذاری و تقنین: از طراحی مفهومی تا پیاده‌سازی نهادی.....	۱۴
۲-۵. نهادینه‌سازی ساختاری و سازمانی آینده‌نگاری.....	۱۵
۳-۵. توسعه قابلیت‌های فردی و سازمانی (فرهنگ‌سازی از طریق آموزش و عمل).....	۱۶
۴-۵. مشارکت و شفافیت در فرایندهای آینده‌نگاری.....	۱۹
۵-۵. توسعه زیرساخت‌های تحلیلی و دانشی.....	۲۰
۶-۵. طراحی نهادهای آینده‌نگری منسجم و درون‌زا.....	۲۱
۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۲
منابع و مآخذ.....	۲۶

فهرست جداول

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی.....	۱۰
جدول ۲. پیشنهادهای توصیه‌ی سیاستی.....	۲۴



قانونگذاری و تنظیم‌گری‌های آینده‌ساز: نهادینه‌سازی از طریق فرهنگ‌سازی

چکیده



در این گزارش، با تمرکز بر الزام‌های فرهنگ‌سازی آینده‌نگری در نهاد تقنین کشور، تبیین می‌شود که آینده‌نگاری نباید به‌عنوان یک فعالیت پژوهشی حاشیه‌ای یا مقطعی در حاشیه خط‌مشی‌گذاری باقی بماند، بلکه باید به‌مثابه یک قابلیت سازمانی دائمی در ساختار تصمیم‌گیری قانونگذاران نهادینه شود. براساس تحلیل مفهومی، مطالعه اسناد بین‌المللی، گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها و مرور چارچوب‌های نهادی موفق، شش محور اصلی برای تحقق این هدف ارائه شده است. این محورها شامل: ۱. نهادسازی آینده‌نگری در حکمرانی تقنینی به‌عنوان ظرفیت واکنش هوشمندانه به بحران‌ها و عدم قطعیت‌ها؛ ۲. ادغام کامل آن در چرخه قانونگذاری از مرحله مسئله‌یابی تا ارزیابی؛ ۳. سرمایه‌گذاری در آموزش، شبیه‌سازی و توانمندسازی شناختی نمایندگان؛ ۴. طراحی مشارکتی آینده‌نگاری با بهره‌گیری از دیدگاه‌های متکثر اجتماعی و دانشگاهی؛ ۵. تقویت پیوند نظام علم و نظام تقنین از طریق ایجاد ساختارهای ارتباطی رسمی و ۶. تضمین استقلال تحلیلی و سازمانی ساختار آینده‌نگاری همراه با تعهد به پاسخ‌گویی نسبت به نیازهای واقعی خط‌مشی‌گذار. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود: ۱. واحد آینده‌نگاری در مرکز پژوهش‌ها به‌عنوان مرجع مشورتی رسمی تقویت شود؛ ۲. «پیوست آینده» برای طرح‌ها و لوایح مهم به‌صورت الزامی تدوین شود؛ ۳. آموزش‌های تخصصی آینده‌نگاری برای دفاتر نمایندگان طراحی و اجرا شود؛ ۴. شاخص‌های عملکردی برای ارزیابی کیفیت آینده‌نگری در فرایند تقنین تدوین شود و ۵. سازوکارهای مشارکت ذی‌نفعان در تحلیل سناریوها و روندهای آینده، طراحی و تثبیت شود. این اقدام‌ها، آینده‌نگاری را از سطح مفهومی و گفتمانی به سطح نهادی و عملیاتی ارتقا داده و آن را به بخشی از عقلانیت تقنینی کشور تبدیل خواهد کرد.



بیان / شرح مسئله

در عصر پیچیدگی و دگرگونی‌های شتاب‌دار فناورانه، زیست‌محیطی و اجتماعی، نظام قانونگذاری کشورها بیش از هر زمان دیگری نیازمند نگاهی پیش‌نگر و بلندمدت است. دیگر نمی‌توان صرفاً با تکیه بر روندهای گذشته یا چارچوب‌های خطی، برای آینده‌ای نامطمئن خط‌مشی‌گذاری کرد. آینده‌نگری، به‌عنوان رویکردی ساختاریافته، مشارکتی و چندبعدی، این امکان را فراهم می‌سازد تا خط‌مشی‌گذاران با درک نیروهای پیشران تغییر، سناریوهای متنوع و پیامدهای ممکن، تصمیماتی پایدارتر، تاب‌آورتر و منطبق بر نیاز نسل‌های آینده اتخاذ کنند. در این چارچوب، فرهنگ‌سازی آینده‌نگری در نظام تقنین، نه یک اقدام جانبی، بلکه یک «پیش‌نیاز راهبردی» برای حکمرانی هوشمندانه است. این فرهنگ، با کاشتن بذر تفکر سیستمی، مسئولیت‌پذیری نسلی و درک پیامدهای بلندمدت، نهاد تقنین را از تصمیم‌گیری‌های واکنشی و مقطعی به مسیر تصمیم‌سازی آینده‌ساز هدایت می‌کند.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

این گزارش پس از ارائه مشروح دلایل نیاز تقنین و خط‌مشی‌گذاری به آینده‌نگاری، در بخش دوم خود مجموعه‌ای از الزام‌ها و پیشنهادهای عملی را برای فرهنگ‌سازی آینده‌نگری در نهاد قانونگذاری کشور ارائه می‌دهد که شامل این موارد است: آموزش‌های ساختاریافته، تقویت تعامل علم و سیاست، استفاده از ابزارهای ترکیبی و فناورانه و نهادینه‌سازی تدریجی این رویکرد در بدنه کارشناسی و نمایندگی. هدف این امر عبور از آینده‌نگری به‌عنوان یک «فعالیت لوکس پژوهشی» به‌سوی آینده‌نگری به‌مثابه یک «قابلیت نهادی» است که نظام تقنین را قادر می‌سازد با هوشیاری، عمق و انعطاف، به استقبال آینده برود.

باید خاطر نشان کرد نهادینه‌سازی آینده‌نگاری در نهادهای تقنینی یک فرایند پیچیده، چندسطحی و تدریجی است که نیازمند اقدام‌های هم‌زمان در عرصه‌های نهادی، شناختی، آموزشی، ارتباطی و عملیاتی است. این اقدام‌ها به‌منزله بذرهایی هستند که تنها در صورت مراقبت مستمر، هم‌آهنگی نهادی و بازطراحی ساختارها و رویه‌ها می‌توانند به درختی بارور از خط‌مشی‌گذاری آینده‌نگر بدل شوند. محورهای اصلی پیشنهادی برای نهادینه‌سازی آینده‌نگری از طریق فرهنگ‌سازی به شرحی است که در ادامه ذکر می‌شود.

■ **ضرورت نهادینه‌سازی آینده‌نگاری در حکمرانی تقنینی:** آینده‌نگاری باید به‌عنوان یک قابلیت دائمی و غیرحاشیه‌ای در نظام قانونگذاری مستقر شود تا امکان مواجهه هوشمندانه با بحران‌ها، تحولات و عدم قطعیت‌های آینده فراهم شود. این امر نیازمند تدوین سازوکارهای حقوقی، نهادی و فرایندی برای ورود رسمی آینده‌نگاری به چرخه تقنین است.

■ **جای‌گذاری آینده‌نگاری در تمامی مراحل خط‌مشی‌گذاری و قانونگذاری:** اثربخشی آینده‌نگاری زمانی تضمین می‌شود که از ابتدای تعریف مسئله تا مرحله ارزیابی قوانین، حضور داشته باشد و مسیر سیاست‌ها را با تحلیل روندها، سناریوها و آزمون‌های فشار هدایت کند.

■ **ظرفیت‌سازی شناختی و مهارتی در میان نمایندگان و مشاوران:** یادگیری آینده‌نگری از مسیر تجربه عملی، تمرین‌های سناریویی و تعامل‌های بین‌ذهنی می‌گذرد. آموزش‌های مبتنی بر شبیه‌سازی، بازی‌های سیاستی و تحلیل تصمیم‌ها، نقش محوری در نهادینه‌سازی ذهنیت آینده‌نگر ایفا می‌کند.

■ **طراحی آینده‌نگاری به‌عنوان فرایندی مشارکتی و چندصدایی:** بهره‌گیری از دیدگاه‌های متکثر دانشگاهی، صنعتی، صنفی و مدنی و گسترش مشارکت از طریق پلتفرم‌های باز و ابزارهای جمع‌سپاری، موجب افزایش مشروعیت اجتماعی قوانین و عمق یافتگی تحلیل‌ها می‌شود.

■ **تقویت پیوند ساختاریافته میان نظام علم و نظام سیاست:** استفاده از تحلیل‌های چندمنبعی، داده‌های نرم و سخت و تدوین

سازوکارهایی برای ارتباط منظم میان پژوهشگران و نمایندگان، به ارتقای کیفیت قانونگذاری آینده‌نگر کمک می‌کند.

■ **تضمین استقلال ساختاری و عملیاتی آینده‌نگاری در کنار ارتباط مؤثر با نیازهای قانونگذار:** آینده‌نگاری باید مستقل باشد، اما نتایج آن به‌طور رسمی وارد دستور کار قانونگذاری شود؛ با خروجی‌هایی مختصر، مسئله‌محور، تصمیم‌یار و منطبق بر زبان و دغدغه خط‌مشی‌گذار.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

در جمع‌بندی مفاد اجرایی و توصیه‌ها که به‌صورت ساختاریافته و مبتنی بر شواهد علمی و تجارب جهانی به راهکارهای فرهنگ‌سازی پیش‌نگری در خط‌مشی‌گذاری و تقنین می‌پردازند، می‌توان خط‌مشی‌ها و فعالیت‌های زیر را در سه محور تقنینی، نظارتی و سیاستی - اجرایی به شرح زیر پیشنهاد کرد:

■ پیشنهادهای تقنینی

افزودن «پیوست آینده» به لوایح و طرح‌های کلیدی؛
 نهادینه‌سازی آینده‌نگاری در آیین‌نامه داخلی مجلس؛
 تصویب قانون یا ماده‌واحد برای حمایت از آینده‌نگاری در نظام قانونگذاری.

■ پیشنهادهای نظارتی

الزام دولت به ارائه تحلیل‌های آینده‌نگر در برنامه‌های کلان؛
 نظارت بر عملکرد نهادهای اجرایی در استفاده از آینده‌نگاری.

■ پیشنهادهای سیاستی و اجرایی

توسعه نظام آموزش آینده‌نگاری برای نمایندگان و مشاوران؛
 استفاده از فناوری‌های نوین برای تحلیل آینده‌ها؛
 ترویج مشارکت عمومی در آینده‌نگاری قانونگذاری.

۱. مقدمه

در جهانی که سرعت تغییرهای فناورانه، زیست‌محیطی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است، خط‌مشی‌گذاری دیگر نمی‌تواند صرفاً به گذشته تکیه کند یا بر مبنای روندهای خطی تصمیم بگیرد. در چنین شرایطی، مفهوم آینده‌نگاری به عنوان ابزاری برای مواجهه با پیچیدگی و عدم قطعیت‌های فزاینده، به طور فزاینده‌ای جای خود را در ادبیات خط‌مشی‌گذاری باز کرده است.

آینده‌نگاری نه تلاشی برای پیش‌بینی دقیق آینده، بلکه روشی ساختار یافته و مشارکتی برای کاوش در آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است که با هدف تقویت ظرفیت تفکر بلندمدت در نهادهای حکمرانی به کار گرفته می‌شود. این رویکرد به خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند تا نیروهای پیشران تغییر، نقاط گسست، فرصت‌های نوظهور و ریسک‌های سیستمی را شناسایی کرده و برای آنها آمادگی ایجاد کنند. برخلاف برنامه‌ریزی استراتژیک سنتی که از زمان حال آغاز شده و به سوی آینده برون‌یابی می‌شود، آینده‌نگاری از چشم‌اندازهای گوناگون نسبت به آینده حرکت می‌کند و بازنگری آنها، به طراحی گزینه‌های سیاستی در زمان حال می‌پردازد. این تفاوت، باعث می‌شود آینده‌نگاری بتواند تفکر جعبه‌ای، خطی و محدود به حال را به چالش بکشد و راه را برای قانونگذاری و تنظیم‌گری آینده‌ساز هموار کند. در حقیقت باید خاطر نشان کرد که هر نظام سیاسی با سه بحران اساسی روبه‌روست که آینده‌نگاری می‌تواند در مدیریت آنها نقش ایفا کند [۱]:

۱. **بحران صلاحیت:** آیا نظام سیاسی به اندازه کافی برای مقابله با چالش‌های پیچیده آینده مجهز است؟ آیا کارگزاران به اندازه کافی شایستگی دارند؟

۲. **بحران قابلیت تحویل:** با توجه به ورودی‌های سیاسی بی‌شمار، آیا سیستم قادر به ارائه نتایج مؤثر و کارآمد هست؟

۳. **بحران مشروعیت:** اگر یک نظام سیاسی فاقد صلاحیت و قابلیت تحویل باشد، در مرحله بعد با بحران مشروعیت روبه‌رو خواهد شد که خطرناک‌ترین نوع بحران است.

تجربه همه‌گیری کرونا، تغییرهای اقلیمی و نوسان‌های ژئوپلیتیک جهانی نیز به وضوح نشان داده‌اند که حتی اگر سیگنال‌های هشداردهنده قبلاً شناسایی شده باشند، بدون تعبیه آینده‌نگاری در تصمیم‌سازی، واکنش‌ها دیر هنگام، پرهزینه یا ناکافی خواهند بود. به بیان دیگر، آینده‌نگری نباید صرفاً به یک فعالیت حاشیه‌ای پژوهشی یا تزئینی تبدیل شود، بلکه باید به بخشی از «ظرفیت نهادی خط‌مشی‌گذاری» بدل شود.

در همین راستا می‌توان گفت انتظارهایی که از قانونگذاری آینده‌نگر می‌توان داشت عبارت است از [۲]:

۱. **تدوین قوانین با محوریت آینده:** انتقال تصمیم‌های کلان در حوزه‌هایی مانند محیط زیست، انرژی، علم و فناوری و کشاورزی به نهادهای آینده‌نگر جهت تدوین مقررات مبتنی بر آینده؛

۲. **ارزیابی و بازبینی مستمر قوانین:** استفاده از نهادهای تخصصی برای ارزیابی تأثیرهای بلندمدت قوانین و بازبینی آنها بر اساس داده‌های جدید و؛

۳. **تغییر شرایط و افزایش پایداری و تاب‌آوری خط‌مشی‌ها:** با نهادینه‌سازی آینده‌نگری در فرایند قانونگذاری، خط‌مشی‌ها و مقررات، پایداری و تاب‌آوری بیشتری در برابر تحولات آینده خواهند داشت.

از این منظر، آینده‌نگاری یک «قابلیت نرم» نیست، بلکه زیربنایی برای قانونگذاری پایدار، پیش‌نگر و تاب‌آور است. هدف این گزارش نیز بررسی این است که چگونه می‌توان نهادهای ساز آینده‌نگاری را با فرهنگ‌سازی - به ویژه در فرایندهای قانونگذاری و تنظیم‌گری - دنبال کرد.

۲. پیشینه



در خصوص بهره‌برداری از آینده‌نگاری در سیستم تقنین و خط‌مشی‌گذاری، مقالات متعددی در منابع دانشگاهی موجود است که از آنها در تدوین این گزارش استفاده شده است. در کنار آن، مرکز پژوهش‌های مجلس طی سال‌های اخیر گزارش‌های تبیینی متقنی را تدوین کرده است که به شرح جدول ذیل به آنها اشاره می‌شود.

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی

ردیف	عنوان گزارش	سال انتشار	شماره مسلسل	نام دفتر / سازمان/ نهاد	توضیحات
۱	مسئله نوپدید: آینده‌نگری در قانونگذاری، ضرورت و ابزارها	۱۴۰۲	۱۹۳۸۹	مطالعات حکمرانی	این گزارش با بررسی روش‌های آینده‌نگری در فرایند قانونگذاری اتحادیه اروپا به تبیین نوآوری‌های فرایندی در تحقق آینده‌نگری سازمان یافته پرداخته و ایده‌هایی در راستای سازگار ساختن مقرره‌گذار و قانونگذاری با تحولات نوآورانه صنایع مختلف ارائه می‌دهد.
۲	الزام‌ها و خط‌مشی‌گذاری رفتاری در چارچوب بررسی فرایندها و خروجی‌های نهادهای بینش رفتاری؛ توصیه‌هایی برای مجلس شورای اسلامی	۱۴۰۳	۱۹۷۰۵	مطالعات حکمرانی	در این گزارش به این مسئله اشاره می‌شود که یکی از رویکردهایی که در سال‌های اخیر در حوزه خط‌مشی‌گذاری مورد توجه قرار گرفته، رویکردهای مبتنی بر بینش رفتاری و شناختی است. بر این اساس در بخش نخست گزارش به بررسی فرایند انجام کار در نهادهای بینش رفتاری پرداخته شده است و چارچوب‌های فرایندی ارائه شده که نهادهای مختلف بینش رفتاری توسعه داده‌اند، سپس ابزارهای مورد استفاده در فرایند نهاد بینش رفتاری معرفی شده و جایگاه آنها در هر مرحله از فرایند مشخص شده است.
۳	چارچوب تدوین پیوست آینده	۱۴۰۴	۲۰۵۸۸	مطالعات حکمرانی	این گزارش به این موضوع می‌پردازد که یکی از مهم‌ترین اقدامات در توسعه زیست‌بوم حکمرانی آینده‌نگر و بهبود خط‌مشی‌گذاری، تدوین پیوست آینده است. این ابزار به خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند تا نقاط کور قانونگذاری را بهتر شناسایی کرده و قوانین را با در نظر گرفتن تحولات آینده تدوین کنند.
۴	سلسله گزارش‌های مجلس‌نگار (۱): صورت‌بندی مسئله اداره‌دفاتر نمایندگان در حوزه انتخابیه با مروری بر تجربه زیسته نمایندگان و تجارب سایر کشورها	۱۴۰۴	۲۰۶۲۴	مطالعات حکمرانی	در این گزارش، مهم‌ترین چالش‌های نمایندگان در اداره‌دفاتر نمایندگی در حوزه‌های انتخابیه مورد نقد و بررسی قرار گرفته و تلاش شده است بهینه‌ترین راهکارها برای حل این مشکلات معرفی شود.

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۳. ضرورت حکمرانی پیش‌نگر



سیاست‌های معاصر به دلیل پیچیدگی موضوع‌ها و ضرورت پاسخ‌گویی سریع به بحران‌ها (مانند تغییرهای اقلیمی، همه‌گیری کرونا و بحران‌های مالی) نیازمند رویکردهای آینده‌نگر و تطبیقی هستند تا بتوانند علاوه بر واکنش به شرایط اضطراری، برای آینده نیز برنامه‌ریزی کنند و تاب‌آوری سیستم را افزایش دهند. خط‌مشی‌گذاری کوتاه‌مدت و واکنشی برای مواجهه با چالش‌های چندبعدی و درهم‌تنیده کافی نیست؛ بلکه باید گزینه‌های استراتژیک و سناریوهای مختلف آینده در فرایند تدوین خط‌مشی‌ها مدنظر قرار گیرد تا فضای تنفس مقرراتی برای آینده ایجاد شود [۳].

آینده‌نگاری راهکارهایی برای طراحی تطبیقی سیاست‌ها و افزایش قابلیت انعطاف و پاسخ‌گویی آنها در برابر عدم قطعیت‌ها ارائه می‌دهد. این رویکردها با نهادهای ساز در نظام حکمرانی، می‌توانند الگوهای تصمیم‌گیری را تغییر داده و آمادگی نظام را در برابر عدم قطعیت‌ها ارتقا دهند [۳]. جوامع امروزی با چالش‌های پیچیده و به اصطلاح «مسائل غامض»^۱ مواجه‌اند که راه‌حل واحد و ساده‌ای ندارند و هر رویکردی به آینده‌نگاری و حکمرانی باید متناسب با زمینه و موضوع طراحی شود. پیشرفت‌های فناورانه و تغییرهای سریع اجتماعی، عدم قطعیت و ریسک‌های جدیدی ایجاد کرده‌اند که ضرورت پیش‌بینی پیامدها و بازخورد آنها به تصمیم‌گیری‌های سیاستی را دوچندان می‌کند. آینده‌نگاری، با رویکردی سیستمی و پیچیدگی‌محور، به خط‌مشی‌گذاران امکان می‌دهد پیامدهای بلندمدت تصمیم‌ها را بهتر شناسایی و مدیریت کنند و از تکرار خطاهای ناشی از عقلانیت ابزاری صرف جلوگیری کنند [۴]. به‌طور خلاصه در چرایی نیاز به آینده‌نگاری می‌توان گفت:

■ **مقابله با کوتاه‌نگری دمکراتیک:** چالش‌های جهانی مانند تغییرهای آب و هوایی و جهانی‌شدن، از نظر گستره و بازه زمانی، با عملکرد سنتی دمکراسی‌های مبتنی بر دوره‌های انتخاباتی کوتاه در تضاد هستند. این امر تقاضاهای مشروعی را برای ایجاد نهادهای سیاسی که خط‌مشی‌گذاری آینده‌نگر را تسهیل می‌کنند، به وجود آورده است [۵]. ضمن اینکه فرایندهای سیاسی و قانونگذاری فعلی بیشتر بر منافع کوتاه‌مدت و رقابت‌های سیاسی متمرکزند و کمتر به منافع نسل‌های آینده و پایداری بلندمدت توجه دارند [۲] [۶].

■ **مالکیت دمکراتیک بر آینده‌پژوهی:** در حالی که بسیاری از سازوکارهای آینده‌پژوهی در قوه مجریه مستقر هستند، تقویت مالکیت نمایندگان مجلس بر این فرایندها ضروری است. عدالت بین‌نسلی تنها از طریق مشارکت مردم فعلی، که در دمکراسی‌های نمایندگی توسط مجالس نمایندگی می‌شوند، می‌تواند به‌طور مشروع و واقع‌بینانه محقق شود [۵]. یکی از ضعف‌های اساسی نظام‌های سیاسی کنونی، نبود سازوکارهای نهادی برای نمایندگی و حفاظت از منافع نسل‌های آینده در قانونگذاری است [۲]. البته که با وجود ابهام در مفهوم «نسل‌های آینده» گفته می‌شود «افراد آینده‌ای هستند که زندگی‌شان به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر تصمیم‌های ماقرار خواهد گرفت». این تعریف بر اهمیت ارزیابی تأثیرات زمینه‌محور و بلندمدت در قانونگذاری تأکید دارد [۶].

■ **افزایش ظرفیت نظارتی مجلس:** همان‌طور که کمیسیون‌های تخصصی به نمایندگان در بررسی دقیق اقدام‌های دولت کمک می‌کنند، نهادهای آینده‌نگر نیز با افزایش درک عمیق نمایندگان از برنامه‌های بلندمدت دولت، ظرفیت نظارتی مجلس را تقویت می‌کنند. حتی اگر تنها بخش کوچکی از نمایندگان درگیر این کار شوند، بینش آنها می‌تواند به کل پارلمان (در جلسات فراکسیون‌ها، کمیسیون‌ها و صحن علنی) تسری یابد و نمایندگان را نسبت به آثار بلندمدت سیاست‌ها هوشیارتر کند [۵].

آینده‌نگاری به‌عنوان رویکردی کل‌نگر و آینده‌محور، ابزاری برای تحلیل خط‌مشی‌ها در شرایط پیچیده و بحث‌برانگیز است. این رویکرد به خط‌مشی‌گذاران امکان می‌دهد تا فراتر از شواهد علمی و دانشگاهی، گزینه‌های سیاستی را در کنار دغدغه‌های بازیگران اجتماعی ارزیابی کنند و پیامدهای احتمالی آنها را بسنجند. آینده‌نگاری به‌ویژه در محیط‌های تقنینی اهمیت دارد، زیرا تحلیل‌گران را قادر می‌سازد دیدگاه

1. Wicked Problems



ذی‌نفعان و تفاوت‌های جغرافیایی را در ارزیابی خط‌مشی‌ها لحاظ کنند. این امر به شفافیت فرایند خط‌مشی‌گذاری و افزایش اعتماد به تحلیل‌های سیاستی منجر می‌شود. با توجه به رشد سریع تحولات فناورانه و اجتماعی، نهادهای قانونگذاری نیازمند آمادگی برای مواجهه با آینده هستند و آینده‌نگاری ابزاری محوری در این مسیر است [۷].

۴. چرا در میان همه فعالیت‌ها، فرهنگ‌سازی آینده‌نگری در نظام تقنین مهم است؟

فرهنگ‌سازی آینده‌نگری در نظام تقنین، شاید مهم‌ترین و بنیادین‌ترین گامی است که پیش از هر اقدام ساختاری، محتوایی یا فرایندی باید برداشته شود. زیرا بدون آن، همه سازوکارها و ابزارهای آینده‌نگری، به تدریج به تشریفات بی‌ریشه، مستندات بی‌مخاطب و ابتکارات بی‌نفوذ تبدیل خواهند شد. در اینجا، به پنج دلیل اصلی اشاره می‌شود که نشان می‌دهد چرا فرهنگ‌سازی آینده‌نگری در نظام تقنینی از اولویت برخوردار است:

۱. **زیرساخت ذهنی و ارزشی تصمیم‌گیران، پایه هر تحول نهادی است:** هیچ ساختار یا فرایندی، بدون باور و پذیرش ذهنی و ارزشی نمایندگان پایدار نخواهد ماند. اگر نمایندگان مجلس، مشاوران آنان و بدنه کارشناسی قوه مقننه، اهمیت آینده‌نگاری را درک نکنند، آن را درون خود تجربه نکنند و ارتباطی با چالش‌های واقعی آن نیابند، آنگاه هر ابزار آینده‌نگرانه‌ای صرفاً «تزئینی» و غیرعملیاتی خواهد ماند. فرهنگ‌سازی یعنی کاشتن بذر در خاک ذهن و هویت سازمانی.

۲. **ایجاد انگیزه، حساسیت و مالکیت نسبت به آینده در میان قانونگذاران:** نمایندگان، معمولاً درگیر فشارهای روز، خط‌مشی‌های مقطعی و مطالبات محلی هستند. آینده‌نگری در این فضا نوعی «لوکس فکری» به نظر می‌رسد. اما با فرهنگ‌سازی می‌توان نشان داد که توجه به آینده نه تنها منافاتی با دغدغه‌های امروز ندارد، بلکه ابزار تقویت مسئولیت‌پذیری نسلی و منطقه‌ای است. وقتی فرهنگ آینده‌نگری نهادینه شود، نماینده نه به اجبار، بلکه با احساس وظیفه و درک شخصی درگیر فرایندهای آینده‌نگرانه می‌شود.

۳. **مصون‌سازی نظام قانونگذاری از تصمیم‌های واکنشی و تک‌بعدی:** بدون فرهنگ آینده‌نگاری، بسیاری از خط‌مشی‌ها به صورت واکنشی، تحت فشار رسانه‌ای یا براساس ملاحظات کوتاه‌مدت اتخاذ می‌شوند. فرهنگ‌سازی آینده‌نگری، ظرفیت ذهنی و نهادی لازم را برای عبور از تصمیم‌سازی در فضای بحران، به تصمیم‌سازی در بستر تحلیل روندها، سناریوهای بلندمدت و ملاحظات بین‌نسلی فراهم می‌کند. این کار، مجلس را از یک نهاد بحران‌مدار، به نهادی آینده‌ساز تبدیل می‌کند.

۴. **پایه‌ریزی برای تحول ساختاری و فرایندی پایدار:** اصلاح ساختارها و طراحی فرایندهای جدید نیازمند یک «بافت فرهنگی حامی» است. اگر فرهنگ سازمانی مجلس با آینده‌نگری بیگانه باشد، هر ساختار جدیدی - از کمیته آینده‌نگاری گرفته تا پیوست‌های سناریویی - در عمل عقیم خواهد ماند. اما وقتی فرهنگ آینده‌نگاری شکل بگیرد، خود نهاد، به صورت درونی، نیاز به ساختار و ابزار و روش را مطالبه و پیگیری می‌کند. بنابراین فرهنگ‌سازی، محرک تحول ساختاری پایدار است، نه برعکس.

۵. **تقویت مشروعیت و پاسخ‌گویی نسلی در قانونگذاری:** فرهنگ آینده‌نگری کمک می‌کند تا خط‌مشی‌گذاران نسبت به نسل‌های آینده، محیط زیست و پیامدهای بلندمدت قانونگذاری پاسخ‌گو باشند. این نه تنها بعدی اخلاقی و حکمرانی دارد، بلکه مشروعیت مجلس را در نگاه عمومی نیز افزایش می‌دهد. قانونی که در سایه آینده‌نگاری نوشته شود، تصویری مسئولانه‌تر از قانونگذار در جامعه ترسیم خواهد کرد. لازم به تأکید است که فرهنگ‌سازی آینده‌نگری تنها در سطح گفتمان یا آموزش‌های نظری متوقف نمی‌شود، بلکه مستلزم درونی‌سازی رویکردهایی است که بتوانند در میدان عمل تقنین و خط‌مشی‌گذاری ایفای نقش کنند. سه اصل محوری برای تحقق این رویکرد می‌توان ذکر کرد [۳] [۸] [۷]. نخست، پذیرش تفکر سیستمی است. آینده‌نگری زمانی در تقنین معنا می‌یابد که قانونگذار قادر باشد پیوندهای میان بخشی، زنجیره‌های علی - معلولی و سازوکارهای پیچیده تحول را ببیند. به جای پاسخ‌گویی به علائم سطحی مسائل، باید به ریشه‌ها،

الگوها و ساختارهای بلندمدت توجه شود. دوم، توجه به آینده‌های چندگانه است. برخلاف تصور رایج که آینده را تنها یک مسیر خطی می‌پندارد، آینده‌نگری بر پایه پذیرش تنوع آینده‌ها - از محتمل و معقول تا ممکن و حتی غیر قابل تصور - بنا شده است. بنابراین قانونگذار باید در مواجهه با سناریوهای گوناگون، ذهنی گشوده، تحلیل مقایسه‌ای و آمادگی انطباق داشته باشد و سوم، تقویت ظرفیت انعطاف‌پذیری و سازگاری در خط‌مشی‌گذاری است. آینده‌نگری به معنای «پیش‌بینی دقیق» نیست، بلکه طراحی خط‌مشی‌هایی است که در برابر عدم قطعیت‌های پیش‌رو تاب‌آور باشند. این به معنای توسعه استراتژی‌هایی با مسیرهای تطبیق‌پذیر، گزینه‌های گوناگون و نقاط تصمیم‌گیری منعطف است. فرهنگ‌سازی آینده‌نگری، یک «پیش‌نیاز نرم» اما حیاتی برای حکمرانی آینده‌محور است. این فرهنگ، ذهنیت قانونگذار را به سمت کل‌نگری، تعهد بین‌نسلی، تحلیل بلندمدت و یادگیری از گذشته سوق می‌دهد. بدون آن، هیچ ابزار یا ساختاری دوام نخواهد داشت. اما با آن، حتی در غیاب منابع زیاد یا زیرساخت کامل، نهاد تقنین خود، مسیر آینده‌نگری را خواهد ساخت.

۵. نهادینه‌سازی آینده‌نگاری در خط‌مشی‌گذاری و تقنین از طریق فرهنگ‌سازی

در تحلیل تجربه‌های جهانی روشن می‌شود که آینده‌نگاری زمانی معنا و اثربخشی واقعی خواهد یافت که از جایگاه یک فعالیت تحلیلی یا پروژه پژوهشی، به بخشی از حافظه نهادی خط‌مشی‌گذار و جهان ذهنی قانونگذار تبدیل شود [۹]. بر همین اساس، فرهنگ‌سازی آینده‌نگری باید نه تنها در سطح ابزار و روش، بلکه در سطح نگرش و نهادهای تصمیم‌ساز نهادینه شود.

نخستین گام در این مسیر، تعریف روشن و کاربردی از نقش آینده‌نگری در فرایند خط‌مشی‌گذاری است. آینده‌نگری، به‌ویژه در بافت قانونگذاری، سه نقش مکمل و حیاتی دارد [۱۰].

- **اطلاع‌رسانی سیاستی:** ارائه بینش درباره ریسک‌های نوظهور، فرصت‌های آینده و روندهای تحولی؛
 - **مشاوره راهبردی:** کمک به شناسایی گزینه‌های بدیل و تصمیم‌گیری تحت عدم قطعیت؛
 - **تسهیل‌گری سیاستی:** فراهم کردن زمینه اجماع میان ذی‌نفعان، شبکه‌سازی بین‌نهادی و هم‌راستایی خط‌مشی با نوآوری.
- این سه نقش زمانی اثربخش خواهند بود که در ساختارهای آیین‌نامه‌ای، سازمانی و رویه‌ای مجالس قانونگذاری، به صورت رسمی تعریف و به رسمیت شناخته شوند. در غیر این صورت، آینده‌نگاری در حاشیه باقی می‌ماند و صرفاً به تولید گزارش‌هایی بدون نفوذ در تصمیم‌گیری منتهی خواهد شد.

همچنین، تجارب جهانی نشان داده‌اند که بدون آینده‌نگاری نظام‌مند، خط‌مشی‌گذاران به‌طور ناگزیر در برابر بحران‌های پیچیده دچار رویکردی واکنشی می‌شوند. تجربه همه‌گیری کووید - ۱۹ نمونه‌ای بارز از این وضعیت است، که نشان داد عدم آمادگی ساختارهای خط‌مشی‌گذاری برای مواجهه با عدم قطعیت‌ها می‌تواند به تعلیق اثربخشی نظام‌های حکمرانی منجر شود [۱۱].

در این زمینه، تثبیت آینده‌نگاری در فرایند خط‌مشی‌گذاری و تقنین نه تنها یک اقدام کارشناسی، بلکه یک ضرورت ساختاری و فرهنگی است. آینده‌نگری باید از حاشیه به متن تصمیم‌سازی منتقل شود و از طریق نهادسازی، آموزش، مشارکت و تنظیم رویه‌ها، به یک رفتار مستمر و نهادی در بین نمایندگان، کارشناسان و نهادهای پشتیبان مجلس تبدیل شود. ورود مؤثر آینده‌نگری به فرایند تقنین و خط‌مشی‌گذاری، مستلزم تنها تدوین ابزار یا تهیه گزارش‌های آینده‌نگاری نیست؛ بلکه نیازمند شکل‌گیری یک «فرهنگ نهادی و ذهنی آینده‌نگر» در میان بازیگران اصلی حکمرانی، به‌ویژه در سطح مجالس قانونگذاری است.

این بخش از گزارش با هدف پاسخ به این نیاز طراحی شده و چارچوبی عملی برای «فرهنگ‌سازی آینده‌نگری» در نظام تقنین جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهد. محورهای شش‌گانه پیشنهادی در این بخش، حاصل مطالعه مقایسه‌ای تجربه‌های بین‌المللی، تحلیل اسناد سیاستی، مرور ادبیات آینده‌نگاری و تطبیق آنها با شرایط و اقتضات ساختار سیاسی ایران است. در هر محور، مجموعه‌ای از اقدام‌ها، سازوکارها و پیشنهادها



اجرائی برای نهادهای سازای تدریجی آینده‌نگری در سطح تقنین و خط‌مشی‌گذاری معرفی شده‌اند. هدف این بخش، نه ارائه نسخه‌ای از پیش تعیین شده، بلکه فراهم کردن یک نقشه مسیر برای تصمیم‌سازان است؛ تا بتوانند با شناخت چالش‌ها و ظرفیت‌های ساختاری، گام‌هایی تدریجی اما مستمر برای آینده‌نگر شدن نظام قانونگذاری کشور بردارند. در همین راستا، تلاش شده است تا هم پیشنهاد‌های نهادی و ساختاری و هم اقدام‌های نرم‌افزاری، آموزشی و ارتباطی مورد توجه قرار گیرند.

۱-۵. ادغام نظام‌مند آینده‌نگری در چرخه خط‌مشی‌گذاری و تقنین: از طراحی مفهومی تا پیاده‌سازی نهادی

برای آنکه آینده‌نگاری بتواند نقشی واقعی و مؤثر در خط‌مشی‌گذاری ایفا کند، حضور آن باید به‌صورت فراگیر و مستمر در تمامی مراحل چرخه خط‌مشی‌گذاری نهادینه شود. به بیان دقیق‌تر، آینده‌نگری نباید تنها در مرحله تدوین خط‌مشی‌ها ظاهر شود، بلکه باید از لحظه تعریف مسئله، طراحی گزینه‌ها، تصویب، اجرا، تارزیابی‌هایی در کنار سایر ابزارهای تحلیلی حاضر باشد. یکی از دلایل ناکارآمدی آینده‌نگاری در بسیاری از موارد، استفاده محدود از آن در نقطه‌ای از فرایند تصمیم‌سازی است؛ در حالی که اثر بخشی آن تنها در صورتی تضمین می‌شود که به بخشی از چرخه کامل خط‌مشی‌گذاری تبدیل شود [۹]. به همین دلیل، ضروری است که نهادهایی چون کمیسیون‌های تخصصی مجلس، از آغاز تدوین طرح‌ها و لوایح، تحلیل‌های آینده‌نگر را در کنار مطالعات فنی، مالی و حقوقی لحاظ کنند و پیوست آینده‌نگر [۱۲] نیز به اسناد سیاستی اضافه شود؛ مشابه آنچه در مورد پیوست‌های زیست‌محیطی یا فرهنگی رایج شده است.

برای تحقق این ادغام، نیاز به چارچوبی مفهومی و سیستمی وجود دارد که امکان ترکیب لایه‌های گوناگون تحلیلی را فراهم آورد. در پژوهشی [۱۳] با معرفی یک مدل چندلایه و سیستمی، تأکید می‌شود که ادغام آینده‌نگاری در خط‌مشی‌گذاری نیازمند طراحی چرخه‌ای نظام‌مند است؛ چرخه‌ای که از پویای محیطی و سناریوپردازی آغاز می‌شود، به طراحی خط‌مشی‌ها و تحلیل پیامدها می‌رسد و در نهایت با ارزیابی‌های عملیاتی به روزآمدسازی فرایند ختم می‌شود. این رویکرد موجب می‌شود آینده‌نگاری نه فقط به مثابه یک ابزار، بلکه به عنوان یک منطق فکری و نظام تصمیم‌سازی بلندمدت نهادینه شود.

نکته‌ای که نباید نادیده گرفته شود، اهمیت پایش تأثیر آینده‌نگاری بر خط‌مشی‌هاست. یکی از نقاط ضعف تکرار شونده در تجربه‌های بین‌المللی، فقدان نظام ارزیابی اثربخشی آینده‌نگاری است. بدون در اختیار داشتن داده‌هایی درباره اینکه چگونه آینده‌نگاری به ارتقای خط‌مشی‌ها کمک کرده، امکان دفاع از استمرار آن وجود ندارد. از همین رو، طراحی چارچوب‌های ارزیابی پیشینی^۱ و پسینی^۲ و تعیین شاخص‌هایی برای هر یک از سه نقش محوری آینده‌نگاری - اطلاع‌رسانی، مشاوره راهبردی و تسهیل‌گری - ضروری است. انتشار گزارش‌های دوره‌ای ارزیابی و ارائه آن به نهادهای قانونگذار، می‌تواند پیوند آینده‌نگاری با خط‌مشی‌گذاری را تقویت کند [۱۰].

در همین مسیر، نیاز است که خط‌مشی‌گذاران به صورت فعال درگیر تحلیل پیامدهای آینده شوند؛ رویکردی که از آن با عنوان درگیری پیش‌نگر^۳ یاد می‌شود [۱۴]. در این مدل، خط‌مشی‌گذار پیش از وقوع رویدادها به شناسایی عدم قطعیت‌های مهم می‌پردازد و از این طریق، درک راهبردی خود را نسبت به آینده افزایش می‌دهد. نتیجه چنین فرایندی، طراحی تصمیم‌هایی است که نه صرفاً واکنش به گذشته، بلکه اقدامی هوشمندانه برای آینده محسوب می‌شوند.

همین نگاه، مبنای یکی دیگر از توصیه‌های مهم است: آزمون فشار خط‌مشی‌ها در برابر سناریوهای آینده. به جای آنکه خط‌مشی‌ها صرفاً براساس داده‌های تاریخی یا روندهای گذشته ارزیابی شوند، باید در معرض آزمون در سناریوهای احتمالی آینده قرار گیرند. این روش که در طراحی خط‌مشی‌های تاب‌آور استفاده می‌شود، امکان ارزیابی پایداری تصمیم‌ها در برابر شوک‌های سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی را فراهم می‌آورد [۱۴].

1. Ex ante
2. Ex-post
3. Forward Engagement

افزون بر این، آینده‌نگاری می‌تواند نقشی فعال در جهت‌دهی به نوآوری ایفا کند. تحلیل‌های آینده‌نگاری نباید صرفاً توصیفی از آینده موجود ارائه دهند، بلکه باید بر انتخاب مسیرهای نوآورانه‌ای تمرکز کنند که با نیازهای اجتماعی و ارزش‌های ملی هم‌سویی دارند [۱۵]. این به معنای تغییر نقش نمایندگان از پذیرنده خط‌مشی‌های آینده، به معمار و شکل‌دهنده فعال مسیرهای توسعه است. یکی از چالش‌های رایج در این مسیر، فشار برای اثبات کارایی سریع آینده‌نگاری است؛ در حالی که نتایج واقعی آن معمولاً در افق‌های میان‌مدت و بلندمدت ظاهر می‌شوند. با این حال، برای حفظ توازن بین اثربخشی کوتاه‌مدت و آینده‌نگری راهبردی، می‌توان بخشی از خروجی‌های آینده‌نگاری را به صورت پروژه‌های آزمایشی اجرایی کرد. همچنین انتشار گزارش‌های پیوسته و ایجاد پیوند ملموس بین سناریوهای بلندمدت و تصمیم‌های روزمره خط‌مشی‌گذاران، نقش مهمی در تداوم اعتبار و توجه به آینده‌نگاری ایفا می‌کند [۱۰].

از منظر نهادی نیز، معماری شبکه‌ای و تلفیقی برای آینده‌نگاری ضرورت دارد [۱۳]؛ مدلی که بتواند ساختارهای رسمی، کانال‌های بازخورد دائمی و پیوندهای بین منطقه‌ای را در قالب یک سیستم یکپارچه سازمان‌دهی کند. این معماری، آینده‌نگاری را نه به عنوان یک فعالیت بیرونی، بلکه در بطن خط‌مشی‌گذاری تثبیت می‌کند.

نکته پایانی در این محور، اهمیت بومی‌سازی تحلیل‌های آینده‌نگاری است. آینده‌نگری زمانی می‌تواند برای خط‌مشی‌گذار مؤثر باشد که از سطح تحلیل‌های جهانی یا نظری فراتر رفته و به دغدغه‌های ملی و محلی پاسخ دهد. بدون پیوند آینده‌نگاری با زمینه‌های واقعی کشور، هیچ ابزار یا مدل جهانی کارایی مؤثر نخواهد داشت [۱۶].

در نهایت باید تأکید کرد که آینده‌نگاری باید به عنوان ابزاری رسمی در خط‌مشی‌گذاری مورد توجه قرار گیرد؛ نه صرفاً به عنوان فعالیتی مشورتی، بلکه در سطحی هم‌ارز با ارزیابی‌های اثر^۱ و گزارش‌های توجیهی، باید وارد آیین‌نامه‌ها، رویه‌ها و ساختارهای تصمیم‌گیری حکمرانی شود [۱۱].

۲-۵. نهادهای سازشی ساختاری و سازمانی آینده‌نگاری

آینده‌نگری، زمانی که به صورت نهادی، سازمان‌یافته و پایدار در حکمرانی تعبیه شود، می‌تواند از بروز تصمیم‌های شتاب‌زده، سطحی و مقطعی جلوگیری کرده و مسیر حرکت خط‌مشی‌گذار را به سمت پایداری، تاب‌آوری و نگاه میان‌نسلی هدایت کند [۱۷].

برای تحقق چنین افقی، لازم است آینده‌نگری نه فقط به عنوان ابزاری پژوهشی یا مشورتی، بلکه به عنوان یک ابزار خط‌مشی‌گذارانه و بخشی رسمی از فرایند تصمیم‌سازی، جایگاهی شفاف و عملیاتی پیدا کند. درست همان‌طور که نظام‌های خط‌مشی‌گذاری برای بررسی پیامدهای اقتصادی، زیست‌محیطی یا اجتماعی لوايح از ابزارهایی چون ارزیابی اثر یا ارزشیابی^۲ استفاده می‌کنند، آینده‌نگاری نیز باید در همان سطح از رسمیت و الزام ساختاری قرار گیرد [۱۷]. بدون این جایگاه نهادی، ظرفیت‌های تحلیلی آینده‌نگاری در حاشیه باقی مانده و به ندرت به تصمیم‌های راهبردی راه می‌یابد.

در تجربه اتحادیه اروپا، از سال ۲۰۱۵ به بعد، گام‌هایی جدی برای نهادی‌سازی آینده‌نگاری در خط‌مشی‌گذاری برداشته شده است. شکل‌گیری ساختارهایی همچون گزارش سالیانه «نگاه به آینده»^۳ و شبکه راهبردی ESPAS^۴ نمونه‌هایی از تلاش برای پیوند آینده‌نگاری با فرایند تصمیم‌سازی هستند [۱۱]. این تجربه‌ها تأکید دارند که آینده‌نگری تنها در صورتی مؤثر خواهد بود که به فعالیتی مستمر، نظام‌مند و نهادینه تبدیل شود؛ نه فرایندی مقطعی، فردمحور یا خارج از ساختار رسمی تصمیم‌سازی.

یکی از چالش‌های اصلی در مسیر نهادهای سازشی آینده‌نگاری، شکاف میان زبان فنی آینده‌نگاری و زبان عملی خط‌مشی‌گذار است. برای پر

1. Impact assessment
2. Evaluation
3. Forward Look
4. European Strategy and Policy Analysis System



کردن این فاصله، تشکیل «تیم‌های ترجمه» ضرورت دارد [۱۴]؛ گروه‌هایی میان‌رشته‌ای که توانایی تبدیل تحلیل‌های بلندمدت و داده‌های آینده‌نگاری به «قطعات سیاستی قابل استفاده» را دارند. این تیم‌ها باید از ترکیب تحلیل‌گران آینده‌پژوه و متخصصان خط‌مشی‌گذاری تشکیل شوند تا بتوانند پیام‌های آینده‌نگاری را در قالبی ملموس، تصمیم‌یار و زمان‌مند در اختیار نمایندگان، کمیسیون‌ها و هیئت‌های تنظیم‌گر قرار دهند.

در همین راستا، لازم است در هر نهاد خط‌مشی‌گذار یا قانونگذار، نقش‌ها یا واحدهای رسمی برای پیگیری آینده‌نگری تعبیه شود [۱۴]. این نقش‌ها می‌توانند در قالب دفاتر آینده یا پست‌هایی با وظایف مشخص، مسئولیت‌شناسایی ریسک‌ها، پیوند با نهادهای آینده‌نگاری در دیگر دستگاه‌ها و تضمین پیگیری تحولات کلان در خط‌مشی‌گذاری را بر عهده بگیرند. بدون چنین مسئولیت‌های رسمی و نهادینه، آینده‌نگاری در سطح مشاوره‌های غیررسمی باقی خواهد ماند.

افزون بر آن، آینده‌نگری مؤثر نیازمند ارتقای به سطح «توانمندی سازمانی» است. راهبردی کردن آینده‌نگاری یعنی تبدیل آن از یک فعالیت حاشیه‌ای و گاه‌به‌گاه، به بخشی دائمی از نظم فکری و سازمانی پارلمان [۱۸]. چنین نهادی باید بتواند اطلاعات گذشته و حال را بازبیکربندی کند، فرضیه‌های سیاستی را در چارچوب آینده‌های بدیل تحلیل کند و از این طریق تصمیم‌سازی را از منطق خطی به منطق پیچیده، تطبیقی و منعطف ارتقا دهد. این توانمندی تنها زمانی محقق می‌شود که منابع رسمی پارلمان - همچون آیین‌نامه داخلی، دستور جلسات کمیسیون‌ها و الگوهای اولویت‌گذاری سیاستی - آینده‌نگاری را به رسمیت بشناسند و جایگاه قانونی و فکری آن را تثبیت کنند.

در نهایت، باید خاطر نشان کرد که هیچ نوع نهادسازی برای آینده‌نگاری بدون حمایت سیاسی دوام نخواهد داشت [۱۰]. حمایت نهادهای بالادستی مانند دولت یا رئیس مجلس، پیش‌شرط تضمین منابع، اختیار نهادی و ثبات فعالیت‌های آینده‌نگاری است. اما در کنار آن، این حمایت باید به گونه‌ای طراحی شود که استقلال تحلیلی و بی‌طرفی آینده‌نگری را نیز حفظ کند. در کشورهای موفق، پشتیبانی مستقیم نخست‌وزیر یا رئیس پارلمان از برنامه‌های آینده‌نگاری و تخصیص بودجه مستقل، نه تنها اعتبار این فعالیت را افزایش داده، بلکه آن را به بخشی پایدار از نظام تصمیم‌سازی ملی تبدیل کرده است.

بر پایه این مجموعه شواهد، آینده‌نگاری باید با «سازمان‌دهی نرم» و درون‌زا در ساختارهای موجود نهادینه شود. به جای ایجاد ساختارهای جدید و موازی، آینده‌نگری باید در دل فرایندها، کمیسیون‌ها و رویه‌های رسمی مجلس جای بگیرد. چنین مدلی که شکل‌گیری «ساختارهای سازگار اما واقعی» [۱۹] نامیده می‌شود، از بی‌اثر شدن آینده‌نگاری به عنوان پروژه‌ای جانبی و فقط تحلیلی جلوگیری می‌کند و آن را به رکن قابل اعتماد در حکمرانی هوشمند بدل می‌سازد.

۳-۵. توسعه قابلیت‌های فردی و سازمانی (فرهنگ‌سازی از طریق آموزش و عمل)

همان‌طور که ذکر شد، در مسیر فرهنگ‌سازی آینده‌نگری در فضای تقنینی، تنها ساختارها و رویه‌های رسمی کافی نیستند، بلکه لازم است ظرفیت‌هایی درونی، روان‌شناختی و ادراکی نیز در میان تصمیم‌سازان شکل گیرد تا آینده‌نگاری به بخشی از رفتار طبیعی و ذهنیت خط‌مشی‌گذار بدل شود. از این منظر، یکی از مهم‌ترین اقدام‌ها، شکل‌دهی به شبکه‌ای از فعالیت‌های آینده‌نگارانه روزمره در درون نهاد قانونگذار است؛ فعالیت‌هایی که به صورت مداوم و عملیاتی، تحلیل‌های آینده‌محور را به تصمیم‌های جاری پیوند می‌زنند و فضای ذهنی و کاری قانونگذار را در معرض آینده‌های ممکن قرار می‌دهند. براساس تحلیلی [۱۸] ایجاد چنین شبکه‌ای مستلزم آن است که نمایندگان، مشاوران و کارشناسانی که تمایل و توان ذهنی برای کار با آینده دارند، شناسایی، توانمند و حمایت شوند. همچنین باید محیط نهادی مجلس به گونه‌ای طراحی شود که ورود نگرش آینده‌نگر به جلسات، تصمیم‌ها و تعاملات حرفه‌ای، به صورت «طبیعی و خودجوش»؛ نه به عنوان امری تحمیلی یا پروژه‌ای اتفاق بیفتد.

در کنار بعد نهادی، آینده‌نگری یک توانایی شناختی و انگیزشی نیز هست. در پژوهشی [۲۰] با بهره‌گیری از نظریه‌های علوم اعصاب

و روان‌شناسی شناختی، بر این نکته تأکید می‌شود که «پیش‌اندیشی»^۱ قابلیت‌ی بنیادین در مغز انسان است. انسان نه فقط قادر است نتایج احتمالی کنش‌های خود را ارزیابی کند، بلکه می‌تواند خودِ آینده‌اش را تصور کرده، نیازها، انگیزه‌ها و پیامدهای آن را نیز در محاسبه تصمیم‌های فعلی لحاظ کند. این توانمندی از طریق سازوکارهایی چون مدل پیش‌اندیشی^۲ فعال می‌شود و منبعی اصلی برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه، میان‌مدت و مبتنی بر آینده است. بر این اساس، یکی از گام‌های مهم برای تقویت آینده‌نگری در پارلمان، طراحی تمرین‌ها و کارگاه‌هایی است که در آن خط‌مشی‌گذاران بتوانند خود را در آینده‌ای معین تصور کرده، منافع و دغدغه‌های آن موقع را درک کنند و از آن طریق، به ارزیابی تصمیم‌های امروز خود بپردازند.

مقاله یادشده همچنین به توانایی مغز در ایجاد تعادل میان واکنش‌های فوری و انتخاب‌های متفکرانه آینده‌محور اشاره می‌کند. این قابلیت از ترکیب فعالیت نواحی پره‌فرونتال مغز (لوب پیش‌پیشانی) با سیستم‌های انگیزشی پدید می‌آید و امکان کنترل انگیزه‌های کوتاه‌مدت در برابر منافع بلندمدت را فراهم می‌کند [۲۰]. این یافته از منظر تربیت خط‌مشی‌گذار، پیام روشنی دارد: باید از طریق تکنیک‌هایی مانند شبیه‌سازی، سناریونگاری و نقش‌آفرینی در فضای تصمیم‌سازی، مهارت بازدارندگی از تصمیم‌های هیجانی و لحظه‌ای را در میان نمایندگان تقویت کرد. نماینده‌ای که می‌آموزد بر وسوسه‌های کوتاه‌مدت غلبه کند، می‌تواند قانونگذاری مبتنی بر آینده را در عمل پیش ببرد.

نکته مهم دیگری که در این پژوهش مطرح می‌شود، نقش اضطراب و هزینه روانی در مواجهه با آینده است. براساس مدل این پژوهش، انسان‌ها هنگام ارزیابی گزینه‌ها، نه تنها پیامدهای بیرونی، بلکه هزینه روانی انتظار، تردید و ترس از آینده را نیز در تصمیم‌های خود وارد می‌کنند [۲۰]. همین امر می‌تواند به تعویق تصمیم‌های دشوار یا اولویت‌دادن به راه‌حل‌های ساده و فوری منجر شود. از این رو، آموزش آینده‌نگری نباید تنها فنی یا تحلیلی باشد، بلکه باید در فضایی امن، تعاملی و بدون اضطراب شکل گیرد. کارگاه‌های مشارکتی با فضای دوستانه و بدون قضاوت، به کاهش ترس از آینده و افزایش آمادگی روانی برای تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت کمک خواهند کرد.

در کنار این موضوع دو دسته ابزار می‌توانند ترکیب شوند [۱۶]: از یک سو «مدل‌سازی ذهنی» که متکی به روایت‌سازی، شهود و ادراکات کیفی خط‌مشی‌گذار است و از سوی دیگر «مدل‌سازی عددی» که با داده‌ها، سنجه‌ها و تحلیل‌های کمی به تصمیم‌ساز کمک می‌کند. او استدلال می‌کند که برای گسترش فرهنگ آینده‌نگری، این دو نوع مدل باید به گونه‌ای با یکدیگر تلفیق شوند که هم انسجام مفهومی خط‌مشی حفظ شود و هم خط‌مشی‌گذاری امکان مشارکت در فضای داده‌محور و تصمیم‌یار را به دست آورد. این تلفیق، کلید ایجاد عقلانیتی آینده‌نگر است که هم‌زمان شهود انسانی، مشارکت اجتماعی و تحلیل علمی را در فرایند قانونگذاری در کنار هم قرار می‌دهد.

یکی دیگر از توصیه‌های کلیدی در این زمینه، ترکیب مدل‌های ذهنی با مدل‌سازی‌های عددی و کمی است. مدل‌سازی ذهنی^۳ - که بر روایت، درک موقعیت و شهود مبتنی است - در عین حال باید با ابزارهای کمی و داده‌محور همراه شود تا انسجام تحلیلی و قابلیت مشارکت در تصمیم‌سازی ارتقا یابد [۱۶]. این تلفیق باعث می‌شود آینده‌نگری نه تنها به عنوان یک فن، بلکه به عنوان یک چارچوب فکری در ذهن خط‌مشی‌گذار جای بگیرد.

در این زمینه، مفهومی مهم معرفی می‌شود: «مدل ترکیبی تصمیم‌گیری»، که بر اساس آن، انسان در شرایطی که داده‌های کافی در دست ندارد، از ظرفیت شبیه‌سازی ذهنی برای ارزیابی پیامدهای تصمیم استفاده می‌کند [۲۰]. این مدل، تبیین می‌کند که خط‌مشی‌گذاران نیز می‌توانند در فضای عدم قطعیت، با تکیه بر تصویرسازی ذهنی از آینده، تصمیم‌هایی اثربخش اتخاذ کنند. از این منظر، آموزش ابزارهایی مانند چرخ آینده یا پس‌نگری نه تنها از حیث روش‌شناسی، بلکه از نظر سازگاری با فرایندهای شناختی ذهن خط‌مشی‌گذار نیز حائز اهمیت است. طراحی کارگاه‌هایی که در آن نمایندگان بتوانند از طریق شبیه‌سازی آینده، خود را در موقعیت‌های آتی تصور کنند، موجب آشنایی تدریجی ذهن آنان با منطق تفکر آینده‌نگر می‌شود.

1. Prospection
2. Motivational Forward Model
3. Mental Modelling



از سوی دیگر، آموزش آینده‌نگری باید جنبه‌های روان‌شناختی و انگیزشی نیز داشته باشد. تمرین نظم و خویشتن‌داری در برابر وسوسه‌های تصمیم‌گیری آنی، از جمله مهارت‌هایی است که از طریق مواجهه ذهنی با سناریوهای بلندمدت قابل تقویت است [۲۰]. به عنوان مثال، ارائه سناریوهای شبیه‌سازی شده از بحران‌های آینده، به نمایندگان کمک می‌کند تا تجربه‌ای از «صبر راهبردی» و تصمیم‌سازی در افق‌های زمانی دورتر کسب کنند. افزون بر آن، این پژوهشگران نشان می‌دهند که اضطراب و نگرانی نسبت به آینده، خود مانعی روان‌شناختی برای تصمیم‌سازی بلندمدت است. از این رو، آموزش آینده‌نگری باید در بستری امن، بدون قضاوت و به صورت مشارکتی صورت گیرد تا نمایندگان با ذهنی آرام و مقاوم در برابر فشارهای روانی، به استقبال آینده بروند و خود را بازیگر فعال آن بدانند.

این رویکرد تلفیقی همچنین بر اهمیت ترکیب ابزارهای روان‌شناختی با تحلیل داده‌ای تأکید دارد. به جای تقابل دو گانه ابزارهای سخت و نرم، باید از مدل‌هایی بهره برد که تحلیل عددی و تحلیل ذهنی را در یک ساختار واحد ادغام کنند. این رویکرد موجب می‌شود که آینده‌نگری نه فقط در فرایندهای تصمیم‌سازی یا در گزارش‌های کارشناسی، بلکه در «ذهن و هویت فرهنگی خط‌مشی‌گذاران» نیز نهادینه شود [۲۰]. در سطح سازمانی نیز، آینده‌نگری باید با قابلیت‌هایی همچون نوآوری، یادگیری سازمانی، انعطاف‌پذیری راهبردی و توانایی تعامل هم‌زمان با مسائل متعدد^۱ پیوند بخورد. فرهنگ آینده‌نگر زمانی در یک نهاد تثبیت می‌شود که فرایندهایی مانند مرور گذشته، تحلیل پسینی تصمیمات و ثبت تجارب در بانک‌های دانش رسمی، به عادت سازمانی تبدیل شوند [۱۸]. در واقع، آینده‌نگری زمانی مؤثر خواهد بود که به حافظه نهادی بدل شود، نه صرفاً ابزاری برای مشاوره یا پیش‌بینی موردی. این حافظه نهادی، پایه‌گذار یک عقلانیت جمعی بلندمدت در مجلس خواهد بود که هم بر داده و تحلیل تکیه دارد و هم بر شهود، مشارکت و تجربه.

یکی از کلیدهای موفقیت در این مسیر، استفاده از روش‌های آموزشی مبتنی بر تجربه و تعامل بصری است. با بررسی روندهای نوظهور در آموزش آینده‌نگاری، مشخص شده است که ابزارهایی مانند داستان‌سرایی آینده‌محور، بازی‌های خط‌مشی‌گذاری، شبیه‌سازی دیجیتال و واقعیت مجازی، می‌توانند رابطه‌ای احساسی، ذهنی و تجربی میان خط‌مشی‌گذار و آینده برقرار کنند [۲۱]. از آنجا که مغز انسان از طریق تجربه، تصویر و مشارکت عمیق‌تر یاد می‌گیرد، این نوع آموزش‌ها باعث می‌شوند نماینده نه فقط مخاطب آینده، بلکه مشارکت‌کننده در ساخت آن باشد. در کنار همه این‌ها یادآوری می‌شود که تلفیق روش‌های کلاسیک آینده‌نگاری با نوآوری‌هایی همچون بازی‌های جدی^۲ می‌تواند به خط‌مشی‌گذاران کمک کند تا در تجربه‌ای تعاملی و شبیه‌سازی شده، معنای انتخاب‌ها و پیامدهای آنها را عمیق‌تر درک کنند [۱۱]. این رویکرد، نه تنها آموزش را جذاب‌تر و ملموس‌تر می‌سازد، بلکه نمایندگان را به جای مصرف‌کننده خروجی، به کنشگر آینده‌نگری تبدیل می‌کند. در این مسیر، نباید نقش آموزش مستمر و تمرین نظام‌مند را نادیده گرفت. آینده‌نگاری تنها از طریق خواندن گزارش‌ها یا مواجهه موردی با یک سناریو، به آگاهی پایدار منجر نمی‌شود [۹]. بلکه نیازمند برنامه‌ای مداوم، تعاملی و عملی است که در آن نمایندگان، مشاوران و کارشناسان بتوانند مهارت‌های آینده‌نگرانه را به صورت تجربی بیاموزند و تمرین کنند. ابزارهایی مانند شبیه‌سازی تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت، سناریونویسی مشارکتی و آموزش تفکر سیستمی، کمک می‌کنند که آینده‌نگاری به بخشی از رفتار حرفه‌ای و ذهنیت تصمیم‌ساز تبدیل شود. برگزاری کارگاه‌های سناریونویسی برای نمایندگان، تدوین بسته‌های آموزشی برای دفاتر پارلمانی و ادغام آینده‌نگاری در آموزش‌های ضمن خدمت مرکز پژوهش‌های مجلس، از جمله گام‌های عملی برای تحقق این هدف هستند.

یادآوری می‌شود که فرایند نهادینه‌سازی آینده‌نگری در میان خط‌مشی‌گذاران و قانونگذاران، آموزش تنها به معنای انتقال دانش یا برگزاری کلاس‌های نظری نیست؛ بلکه باید به مثابه فرایندی ساختار یافته، چندلایه، تجربه‌محور و فرهنگ‌ساز طراحی شود. آینده‌نگاری نه فقط یک مجموعه ابزار یا تکنیک، بلکه نوعی «نگرش نظام‌مند و کل‌نگر» به جهان و سیاست است که باید در ذهن و عمل خط‌مشی‌گذار رسوخ کند. آینده‌نگاری زمانی مؤثر خواهد بود که بتواند هم‌افزایی پیچیده‌ای میان فناوری، نهادها، ارزش‌های اجتماعی، بازیگران و خط‌مشی‌ها را درک

1. Ambidexterity
2. Serious Gaming

و مدیریت کند. از این رو، طراحی کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی باید به گونه‌ای باشد که خط‌مشی‌گذار را با شبیه‌سازی مسیرهای فناورانه در بستر اجتماعی و اقتصادی کشور درگیر کند و او را به فهم چندبعدی و چندرشته‌ای از آینده برساند [۱۵].

در نهایت، آموزش آینده‌نگری تنها زمانی اثربخش خواهد بود که میان ساختار، ابزار و عمل نوعی هم‌راستایی برقرار باشد. آینده‌نگاری باید هم به عنوان یک فرایند آموزشی،^۱ هم به عنوان یک مهارت کلیدی^۲ هم به عنوان یک رفتار روزمره در نهاد قانونگذاری طراحی شود [۱۸]. این تحول نیازمند بازآرایی دستور کار کمیسیون‌های تخصصی، تربیت مشاوران تسهیل‌گر و استفاده از ابزارهای تحلیلی به روز در تصمیم‌سازی است. از این طریق، آینده‌نگاری نه تنها به سطح آیین‌نامه‌ها و اسناد رسمی، بلکه به لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ تصمیم‌سازی در مجلس راه می‌یابد و امکان خلق خط‌مشی‌هایی را فراهم می‌کند که آگاهانه، مشارکتی‌تر و پایدار باشند.

۴-۵. مشارکت و شفافیت در فرایندهای آینده‌نگاری

در فرایند فرهنگ‌سازی آینده‌نگری در حکمرانی، مشارکت فراگیر و طراحی تعاملی فرایند آینده‌نگاری نه تنها یک ضرورت تحلیلی بلکه بنیانی برای مشروعیت و اثربخشی آن است. آینده‌نگاری زمانی تأثیرگذار می‌شود که فضای آن تنها محدود به کارشناسان و نخبگان نماند و به بستری برای مشارکت فعال و چندصدایی میان بازیگران گوناگون تبدیل شود. فرایندهای آینده‌نگاری باید از اساس به صورت باز، تعاملی و فراگیر طراحی شوند [۱۰]؛ این طراحی باید نمایندگان مجلس، خط‌مشی‌گذاران، نهادهای علمی، مدنی، فناورانه و حتی بخش خصوصی را در مراحل سناریونویسی، تحلیل روندها و خط‌مشی‌سازی دخیل سازد. استفاده از ابزارهایی چون کارگاه‌های سناریو، روش دلفی، مشورت‌های چندبازیگری و پلتفرم‌های دیجیتال تعاملی، این هدف را ممکن می‌سازد.

بر همین مبنا، رویکرد مشارکت باز^۳ می‌تواند لایه‌ای عمیق‌تر از شفافیت و مردمی‌سازی خط‌مشی را به آینده‌نگاری بیفزاید. با به کارگیری بسترهای دیجیتال، جمع‌سپاری^۴ و جامعه‌محور، می‌توان مشارکت طیف گسترده‌ای از شهروندان و ذی‌نفعان غیرنخبه را به فرایند خط‌مشی‌گذاری آینده وارد کرد [۲۱]. این مشارکت موجب می‌شود آینده‌نگاری از یک ابزار نخبگانی صرف فاصله بگیرد و به ابزاری دموکراتیک، اجتماعی و مردم‌پایه تبدیل شود؛ ضرورتی که در ساختار تقنین جمهوری اسلامی ایران نیز برای پاسخ‌گویی به مطالبات عمومی و عدالت نسلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ضرورت مشارکت چند ذی‌نفعی نیز قابل توجه است. حکمرانی پیش‌بینانه بدون دسترسی به تنوع دیدگاه‌ها و ارزش‌های جمعی ناقص می‌ماند. در چنین مدلی، بازیگران دانشگاهی، مدنی، صنعتی، فناورانه و دولتی در کنار یکدیگر خط‌مشی‌های عمومی آینده‌محور را طراحی می‌کنند. این فرایند، زمینه یادگیری بین‌نهادی را فراهم کرده و موجب تقویت اعتماد عمومی به خط‌مشی‌گذاری می‌شود [۱۳]. آینده‌نگاری در صورتی پایدار خواهد شد که فرهنگ «یادگیری تعاملی» و تبادل بین‌سازمانی بخشی از منطق اجرایی آن باشد [۹]. نمایندگان، کارشناسان، مشاوران و حتی نهادهای غیررسمی باید فرصت بیان و اشتراک‌گذاری دیدگاه‌های خود درباره آینده را داشته باشند تا فرایند تحلیل، مشروع و اجتماعی تلقی شود.

در محیط پُر سرعت و پیچیده امروز، بدون بهره‌گیری از سناریوپردازی مشارکتی، خطر گرفتار شدن در دام تفکر گروهی بسته و تصمیم‌سازی‌های تک‌بعدی بسیار بالاست. از این رو، بر طراحی فرایندهایی تأکید می‌شود که با مشارکت گروه‌های گوناگون از جمله نمایندگان، کارشناسان حوزه‌های گوناگون، بازیگران محلی و گروه‌های کمتر شنیده‌شده همراه باشد [۱۷]. این شیوه موجب می‌شود خط‌مشی‌گذار با درک چندوجهی از آینده‌های ممکن، به تصمیم‌هایی واقع‌بینانه‌تر و تاب‌آورتر دست یابد. از آن مهم‌تر، چنین مشارکتی به دیده شدن صداهای

1. Method
2. Competence
3. Open and Crowd Sourced
4. Crowdsourcing



حاشیه‌ای، گروه‌های آسیب‌پذیر و منافع میان‌نسلی کمک می‌کند و افق عدالت سیاستی را گسترش می‌دهد. گفت‌وگوی راهبردی میان ذی‌نفعان متنوع در فرایند سناریونویسی نیز از سوی دیگر باید مورد تأکید قرار گیرد. سناریونویسی اثربخش زمانی تحقق می‌یابد که بتواند باورهای رایج را به چالش کشیده و با فراهم کردن فضاهایی برای دیالوگ بین گروه‌های مختلف، فرهنگ گفت‌وگوی آینده‌محور را در تصمیم‌سازی نهادینه سازد [۱۹]. در این الگو، خط‌مشی‌گذاری نه فقط با تکیه بر شواهد، بلکه در دل گفت‌وگوی اجتماعی شکل می‌گیرد.

تجربه آینده‌نگاری باید به کنش ذهنی خط‌مشی‌گذار تبدیل شود، نه تنها تحلیلی از بیرون. تصمیم‌سازان باید به عادت «تیزبینی آینده» دست یابند؛ یعنی به گونه‌ای تربیت شوند که در تحلیل‌های روزمره و تعاملات حرفه‌ای، همواره افق‌های میان‌مدت و بلندمدت را در نظر بگیرند [۱۴]. خط‌مشی‌گذار نباید تنها مخاطب خروجی آینده‌نگاری باشد، بلکه باید در متن فرایند تصویرسازی از آینده مشارکت داده شود [۱۶]. در همین راستا، طراحی کارگاه‌های شبیه‌سازی تصمیم، بازی‌های خط‌مشی‌گذاری و تمرین تصویرسازی پیامدهای لوايح و طرح‌ها با مشارکت خود نمایندگان، می‌تواند عمق ذهنی و تعهد سیاستی آنها را نسبت به آینده افزایش دهد.

در نهایت باید یادآور شد که آینده‌نگاری تنها در صورتی نهادینه خواهد شد که به صورت هم‌زمان، به عنوان فرایند، مهارت و عادت کاری طراحی شود. فرهنگ آینده‌نگاری باید بتواند در میان خط‌مشی‌گذاران، نگرش بلندمدت را جایگزین واکنش‌گرایی مقطعی کند، حساسیت نسبت به حقوق نسل‌های آینده را افزایش دهد و ابزارهای بازنمایی این نسل‌ها را در ساختار تقنین تعریف کند؛ از جمله تخصیص کرسی آینده‌نگری در کمیسیون‌های تخصصی یا توسعه شاخص‌های عدالت بین‌نسلی در بررسی طرح‌ها و لوايح [۱۸].

بنابراین، آینده‌نگاری مشارکتی نه تنها یک توصیه روش‌شناختی، بلکه یکی از ستون‌های اصلی تحول فرهنگ خط‌مشی‌گذاری در ایران است؛ تحولی که تقنین را از پاسخ‌گویی صرف به مسائل روز، به بستری برای ساخت آینده‌ای پایدار، عادلانه و تاب‌آور ارتقا می‌دهد.

۵-۵. توسعه زیرساخت‌های تحلیلی و دانشی

برای آن که آینده‌نگاری بتواند به بخشی مؤثر، ماندگار و معتبر از فرایندهای تقنینی و خط‌مشی‌گذاری تبدیل شود، ضروری است که یکپارچگی میان نظام دانش و نظام تصمیم‌گیری برقرار شود. آینده‌نگاری علمی زمانی تأثیرگذار خواهد بود که به طور مداوم در تماس و تعامل با نهادهای خط‌مشی‌گذار قرار گیرد، نه اینکه تنها در قالب گزارش‌ها و مستندات جداگانه باقی بماند [۱۳]. این یکپارچگی مستلزم ایجاد کانال‌های پایدار تبادل دانش، توسعه نهادهای واسط علم و سیاست و نهادینه‌سازی نقش پژوهشگران در چرخه تصمیم‌سازی است.

در این میان، مشروعیت آینده‌نگاری نیز باید از منظر علمی و فلسفی تقویت شود. آینده‌نگاری زمانی در میان نمایندگان مقبولیت خواهد یافت که با بنیان‌های علمی استوار و رویکردهایی چون «واقع‌گرایی دیدگاه‌محور»^۱ همراه شود [۱۹]. این رویکرد، آینده‌نگاری را به عنوان چارچوبی برای مواجهه با دیدگاه‌های معتبر، واقعیت‌های اجتماعی و پیچیدگی‌های محیطی معرفی می‌کند، نه تنها ابزاری برای پیش‌بینی. بنابراین، آموزش و توسعه آن باید به گونه‌ای طراحی شود که جلوه‌ای مستدل، علم‌پایه و شواهدمحور داشته باشد.

برای عملیاتی‌سازی این نگاه، تلفیق ابزارهای کمی و کیفی ضروری است [۲۱]. در دنیای پیچیده امروز، خط‌مشی‌گذاری بدون بهره‌گیری از داده‌های عددی در کنار تحلیل‌های محتوایی، کیفی و روایتی، در برابر عدم قطعیت‌ها ناتوان می‌ماند. استفاده هم‌زمان از مدل‌سازی داده‌ای، پویش محیطی خودکار، تحلیل کلان‌داده‌ها از یک سو و مصاحبه با خبرگان، روش دلفی و تحلیل محتوای سناریوها از سوی دیگر، زمینه‌ای فراهم می‌کند تا نمایندگان، تصویری چندوجهی و قابل اتکا از آینده به دست آورند. چنین رویکردی، به ویژه در مجلس، به خط‌مشی‌گذاران امکان می‌دهد که تصمیم‌هایی مبتنی بر ادراک‌های گوناگون، اطلاعات متنوع و تبیین‌های چندمنظوره اتخاذ کنند.

پیش‌نیاز تحقق این هدف، توسعه زیرساخت‌های فناورانه و اطلاعاتی پیشرفته است. برخی از پژوهشگران [۲۱] معتقدند که تنها از طریق

به کارگیری سامانه‌های فناوری اطلاعات هوشمند می‌توان روندها، سیگنال‌های ضعیف و داده‌های نوظهور را در زمان واقعی شناسایی کرد. این سامانه‌ها می‌توانند با پایش خودکار اخبار، تحلیل کلان‌داده‌ها و تولید داشبوردهای هشدار برای تصمیم‌گیران، آینده‌نگاری را از سطح ابزاری نامنظم، به بخشی از فرایند جاری حکمرانی هوشمند ارتقا دهند.

در کنار بُعد فناوریانه، ایجاد ظرفیت‌های بومی و محلی برای تحلیل آینده نیز اهمیت دارد. با تأکید بر لزوم «تحلیل زمینه‌مند»، هشدار باید داد که تازمانی که تیم‌های محلی آموزش دیده در پارلمان یا نهادهای وابسته مستقر نباشند، فرهنگ‌سازی آینده‌نگاری تحقق نمی‌یابد [۱۶]. این تحلیل گران باید بتوانند داده‌های جهانی و منطقه‌ای را در قالب‌های بومی ترجمه و تفسیر کنند و نتایج را برای تصمیم‌سازان ملموس سازند. در همین راستا، تشکیل واحدهای تحلیل آینده‌نگرانه در مرکز پژوهش‌های مجلس، آموزش مشاوران نمایندگان و تدوین بسته‌های آموزشی کوتاه‌مدت، اقدام‌های کلیدی برای تثبیت آینده‌نگری در تصمیم‌سازی تقنینی به شمار می‌روند.

افزون بر این‌ها مدل سه‌گانه‌ای برای ارتقای کیفیت قانونگذاری ارائه شده است [۲۲] که شامل بازنگری گذشته،^۱ آینده‌نگاری و درک عمیق^۲ است. در مدل نخست، خط‌مشی‌گذاری باید مبتنی بر یادگیری از تجربه‌های گذشته باشد؛ بدین معنا که برای هر خط‌مشی، یک فرضیه کاری تدوین شده و پس از اجرا، با استفاده از داده‌های بازخوردی مورد ارزیابی و بازبینی قرار گیرد. این فرایند به جلوگیری از تکرار خطاهای گذشته کمک می‌کند. در مدل دوم، آینده‌نگاری به عنوان سازوکار تمهیدی در نظر گرفته می‌شود که با آزمون‌های فشار،^۳ سناریوپردازی و پویش محیطی، امکان آمادگی پیشینی برای بحران‌ها را فراهم می‌آورد و در مدل سوم، بینش بر لزوم درک واقعی از ذی‌نفعان، شکاف‌های اجتماعی و الگوهای مصرف مبتنی است؛ این درک، تنها از طریق استفاده ترکیبی از داده‌های متنی، تحلیل رفتار کاربران آنلاین و طراحی کاربرمحور حاصل می‌شود.

وی در نهایت تأکید می‌کند که ایجاد زیرساخت‌های یکپارچه اطلاعاتی برای ترکیب این سه رویکرد - گذشته، آینده و درک عمیق - پیش‌نیاز نهایی حکمرانی مبتنی بر شواهد و یادگیری مداوم است. این زیرساخت باید داده‌های تاریخی، سیگنال‌های آینده و بازخوردهای جاری را در کنار هم تحلیل کرده و به شکل قابل فهم در اختیار تصمیم‌ساز قرار دهد [۲۲].

در مجموع، تعامل میان علم و سیاست زمانی به صورت پایدار و اثربخش شکل می‌گیرد که علاوه بر ابزارهای تحلیلی و زیرساخت‌های فناوریانه، بر سرمایه انسانی، نظام‌های یادگیری و مشارکت فعال نمایندگان در فرایند تولید آینده تکیه کند. آینده‌نگری، تنها با هم‌نشینی این ابعاد، می‌تواند به جزئی از عقلانیت نهادینه تقنینی تبدیل شود.

۵-۶. طراحی نهادهای آینده‌نگری منسجم و درون‌زا

در مسیر فرهنگ‌سازی آینده‌نگاری در خط‌مشی‌گذاری، یکی از تحولات مفهومی اصلی، درک آینده‌نگاری نه فقط به عنوان یک ابزار تحلیلی منفعل، بلکه به عنوان مرجع «نظام‌مهندسی مسیر نوآوری» است. آینده‌نگاری باید نقشی فعال، نظارتی و نظام‌مند در هدایت و ارزیابی مسیرهای فناوریانه و اجتماعی ایفا کند. این دیدگاه، جایگاه آینده‌نگاری را از تحلیل‌گری صرف به یک کارکرد راهبردی ارتقا می‌دهد و به معنای آن است که خط‌مشی‌گذاری باید آینده‌نگاری را به مثابه سازوکاری ناظر و هدایت‌گر در طراحی تحولات آینده‌محور بپذیرد و آن را در فرایندهای تصمیم‌سازی خود نهادینه کند [۱۵].

اما این جایگاه، بدون تضمین استقلال تحلیلی آینده‌نگاری، آسیب‌پذیر و بی‌اثر خواهد ماند. یکی از تنش‌های بنیادین در نهادینه‌سازی آینده‌نگاری تعارض میان حمایت سیاسی لازم برای اجرای آینده‌نگاری و استقلال تحلیلی آن است [۹]. اگر آینده‌نگاری بیش از حد به نهادهای سیاسی وابسته باشد، در معرض تبدیل شدن به ابزاری برای توجیه تصمیم‌های از پیش گرفته‌شده قرار می‌گیرد و اگر بیش از حد از

1. Hindsight
2. Insight
3. Stress Testing



ساختار خط‌مشی‌گذاری فاصله بگیرد، اثرگذاری خود را از دست خواهد داد. راه‌حل پیشنهادی، ایجاد ساختاری مستقل ولی متصل است: یعنی آینده‌نگاری باید دارای تیم، بودجه و چارچوب مدیریتی مستقل باشد، اما در عین حال نتایج آن به صورت رسمی وارد فرایندهای تصمیم‌سازی و قانونگذاری شود.

این ساختار مستقل نباید به صورت موازی با نظام خط‌مشی‌گذاری شکل گیرد، بلکه باید به گونه‌ای طراحی شود که با ساختارهای رسمی و موجود هم‌افزایی داشته باشد. در برخی موارد، نهادهای آینده‌نگاری مستقل از بدنه خط‌مشی‌گذاری شکل گرفته‌اند و در نتیجه، خروجی آنها بدون اثرگذاری واقعی باقی مانده‌اند [۹]. در مقابل، راه‌حل اثربخش آن است که آینده‌نگاری در دل نهادهای موجود مانند مرکز پژوهش‌های مجلس جای گیرد، یا به صورت مشاور تخصصی در کمیسیون‌های تخصصی مجلس فعالیت کند، در فرایند بررسی لوایح حضور یابد و حتی آیین‌نامه‌هایی برای استفاده از سناریوها در تدوین برنامه‌های توسعه پنج‌ساله تعریف شود.

از سوی دیگر، ارتباط نزدیک و فعال آینده‌نگاری با دغدغه‌های واقعی و روزمره خط‌مشی‌گذاران، یک اصل محوری برای فرهنگ‌سازی آن است. آینده‌نگاری نباید تنها به یک گزارش پژوهشی فنی و پیچیده محدود شود، بلکه باید به ابزاری تصمیم‌یار، عملیاتی و روزآمد تبدیل شود که به طور مستقیم در خدمت نیازها، ترجیحات و زمان‌بندی نمایندگان قرار گیرد [۱۶]. برای تحقق این هدف، خروجی‌های آینده‌نگاری باید به زبان نماینده‌بازنویسی شده، خلاصه، سناریویی و کاربردی باشند و در فضایی تعاملی، کارگاهی و قابل فهم ارائه شوند؛ فضایی که در آن، خط‌مشی‌گذار احساس «مالکیت فکری» نسبت به آینده‌نگاری پیدا کند.

مهم‌تر آن که، آینده‌نگاری باید به مسائل ملموس اجتماعی پاسخ دهد؛ نه صرفاً روندهای انتزاعی یا کلان‌سطح. اگر آینده‌نگاری نتواند درباره موضوع‌هایی مانند بحران آب، سالمندی جمعیت، مهاجرت یا تحولات انرژی در سطح ملی و محلی تحلیل ارائه دهد، توجه نمایندگان را جلب نخواهد کرد. راه‌حل این چالش آن است که طراحی پروژه‌های آینده‌نگاری با گفت‌وگوی مستقیم با نمایندگان آغاز شود، نقشه‌ای از چالش‌های آینده از نگاه حوزه‌های انتخابیه تهیه شود و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی خط‌مشی‌های پیشنهادی در مقیاس‌های خردتر و محلی تحلیل شود [۱۶].

در مجموع، جایگاه آینده‌نگاری به عنوان نهادی نظارتی، راهبردی و تصمیم‌یار در نظام خط‌مشی‌گذاری تنها زمانی تثبیت می‌شود که استقلال تحلیلی آن حفظ شود، با ساختارهای موجود تطبیق یابد، خروجی‌های آن متناسب با زبان و نیاز خط‌مشی‌گذار باشد و به دغدغه‌های واقعی و ملموس او پاسخ دهد. تنها در این صورت است که آینده‌نگاری از سطح مشاوره بیرونی به سطح کنش درونی خط‌مشی‌گذاری ارتقا خواهد یافت و به عنوان بخشی از فرهنگ تصمیم‌سازی تقنینی پذیرفته می‌شود.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پایان این گزارش، که با هدف تبیین راهکارهای عملی و سیاستی برای فرهنگ‌سازی آینده‌نگاری در نظام تقنین و خط‌مشی‌گذاری جمهوری اسلامی ایران تنظیم شده، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که آینده‌نگاری دیگر یک ابزار لوکس یا تشریفاتی در حاشیه خط‌مشی‌گذاری نیست، بلکه ضرورتی ساختاری برای بقا، تاب‌آوری و تحول‌پذیری حکمرانی در عصر پیچیدگی، شتاب و عدم قطعیت است. آینده‌نگاری، پاسخی عقلانی، اخلاقی و استراتژیک به محدودیت‌های نظام تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت، روزمره‌نگر و واکنشی است؛ نظامی که در آن، منافع نسل‌های آینده، پیامدهای دیررس سیاست‌ها و ریسک‌های نوظهور به حاشیه رانده می‌شوند.

امروزه، مسئله دیگر تنها فقدان دانش آینده‌نگری نیست، بلکه نبود فرهنگ، ظرفیت نهادی و الگوهای رفتاری برای زیست آینده‌نگاری در درون نظام تقنین است. گزارش حاضر تلاش کرد با اتکا به بررسی منابع علمی و سیاستی معتبر و با الهام از تجربه‌های جهانی، راهی نظام‌مند، عملیاتی و بومی برای فرهنگ‌سازی آینده‌نگری در ساختار مجلس ارائه دهد. این مسیر، از شش محور اصلی عبور می‌کند:

۱. تثبیت جایگاه آینده‌نگری در حکمرانی هوشمند: نخستین گام، درک آینده‌نگاری به مثابه یک «قابلیت سازمانی» است. باید از نگاه ابزاری، پروژه محور یا مناسبتی به آینده‌نگاری عبور کنیم و آن را به بخشی از حافظه نهادی و فرایندهای روزمره پارلمان تبدیل نماییم. نهادهای ساز آینده‌نگاری مستلزم حمایت سیاسی، ساختار پایدار، بودجه مشخص و اتصال نهادی به فرایند تصمیم‌سازی است.
۲. ادغام آینده‌نگاری در چرخه کامل خط‌مشی‌گذاری و قانونگذاری: آینده‌نگاری نباید فقط در لحظه تدوین لوایح مطرح شود، بلکه باید از نقطه تعریف مسئله تا اجرا و ارزیابی در کنار تصمیم‌گیران باقی بماند. طراحی پیوست آینده‌نگر برای اسناد تقنینی، اجرای استرس تست‌ها و استقرار نظام‌های ارزیابی پیشینی و پسینی، از جمله الزام‌های این ادغام است.
۳. آموزش، ظرفیت‌سازی و تغییر ذهنیت تصمیم‌گیران: تا زمانی که مهارت آینده‌نگری در ذهن و زبان نمایندگان و مشاوران آنان نهادینه نشود، هیچ ساختاری کارآمد نخواهد بود. آموزش‌های تعاملی، سناریونویسی مشارکتی، بازی‌های سیاستی، تصویرسازی ذهنی آینده و تمرین‌های مقابله با وسوسه تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت، ابزارهایی برای نهادهای ساز تفکر آینده‌محور هستند.
۴. توسعه مشارکت چندبازیگری و تقویت گفت‌وگوی آینده‌محور: آینده‌نگاری نه فقط فعالیتی کارشناسانه، بلکه فضایی برای یادگیری جمعی و تصمیم‌سازی مشارکتی است. حضور نمایندگان، خبرگان، جامعه مدنی، فعالان اقتصادی و حتی گروه‌های کمتر شنیده‌شده، موجب ارتقای شفافیت، کیفیت و مشروعیت خط‌مشی‌گذاری آینده‌نگر می‌شود.
۵. تقویت تعامل مستمر میان علم و سیاست: برای آنکه آینده‌نگاری به تصمیم‌سازی پیوند بخورد، باید نهادهای پژوهشی، داده‌های علمی، فناوری‌های نو و ابزارهای تحلیل کمی - کیفی در تعامل مستقیم با کمیسیون‌ها، دفاتر نمایندگان و مراکز کارشناسی مجلس قرار گیرند. ترکیب هوشمندانه روایت‌های اجتماعی، داده‌های عددی و ابزارهای آینده‌نگاری، خط‌مشی‌گذار را در برابر پیچیدگی‌ها توانمندتر می‌کند.
۶. طراحی نهادهای آینده‌نگری منسجم و درون‌زا: آینده‌نگاری باید با ساختارهای موجود هم‌راستا باشد، نه در حاشیه آن. تشکیل واحدهای آینده‌نگاری در مرکز پژوهش‌های مجلس، تدوین راهنمای استفاده از سناریوها در فرایند تقنین و استقرار مشاوران آینده‌نگار در کمیسیون‌ها، تنها بخشی از معماری نهادی مورد نیاز برای پیشبرد آینده‌نگاری در سطح پارلمان است. مبتنی بر این شش بند پیشنهادی راهبردی تدوین می‌شود که نهادهای ساز آینده‌نگری در تقنین را امکان‌پذیر سازد. این پیشنهادها در سه بخش تقنینی، نظارتی و سیاستی - اجرایی تنظیم شده است که در ادامه آمده است.

❖ پیشنهادهای تقنینی

۱. افزودن «پیوست آینده» به لوایح و طرح‌های کلیدی: پیش‌بینی الزام درج پیوست آینده در قوانین حوزه‌هایی مانند انرژی، محیط‌زیست، فناوری، سلامت و آموزش که با عدم قطعیت‌های گسترده روبه‌رو هستند. پیوست آینده می‌تواند شامل سناریوهای محتمل، تحلیل پیامدها و آزمون فشار باشد.
۲. نهادهای ساز آینده‌نگاری در آیین‌نامه داخلی مجلس: تشکیل فراکسیون در مجلس شورای اسلامی؛ همچنین تعریف وظایف مشخص برای بررسی آینده‌محور طرح‌ها و لوایح در مراحل اولیه تصویب.
۳. تصویب قانون یا ماده واحده برای حمایت از آینده‌نگاری در نظام قانونگذاری: این قانون می‌تواند به تعیین ساختار نهادی، بودجه اختصاصی، معیارهای کیفیت خروجی‌ها و جایگاه حقوقی آینده‌نگاری در کنار ارزیابی‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی بپردازد.

❖ پیشنهادهای نظارتی

۱. الزام دولت به ارائه تحلیل‌های آینده‌نگر در برنامه‌های کلان: مجلس می‌تواند از طریق ابزارهای نظارتی (سؤال، استیضاح، گزارش‌های کمیسیون‌های اصل (۹۰)، دیوان محاسبات و...)، دولت را مکلف به ارائه تحلیل‌های آینده‌محور در تدوین برنامه‌های توسعه، بودجه سنواتی و سندهای ملی کند.
۲. نظارت بر عملکرد نهادهای اجرایی در استفاده از آینده‌نگاری: بررسی چگونگی بهره‌گیری وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها از ابزارهای

آینده‌نگری در خط‌مشی‌گذاری، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند فناوری، سلامت، محیط‌زیست، آموزش و مدیریت بحران. ارائه گزارش سالیانه مرکز پژوهش‌ها به کمیسیون‌های تخصصی می‌تواند روشی مؤثر باشد.

❖ پیشنهاد‌های سیاستی و اجرایی

۱. توسعه نظام آموزش آینده‌نگاری برای نمایندگان و مشاوران: طراحی دوره‌های کوتاه‌مدت با روش‌های نوآورانه (مانند بازی‌های سیاستی، سناریوپردازی مشارکتی، تحلیل روند و طراحی وارونه) جهت ارتقای سواد آینده‌نگر نمایندگان و کارشناسان.
 ۲. استفاده از فناوری‌های نوین برای تحلیل آینده‌ها: راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند برای پویا سازی محیط، تحلیل کلان‌داده‌ها، سیستم هشدار زودهنگام و داشبوردهای تصمیم‌یار به کمک فناوری اطلاعات و تحلیل داده‌های سخت و نرم.
 ۳. ترویج مشارکت عمومی در آینده‌نگاری قانونگذاری: طراحی سازوکارهایی برای دریافت بازخورد مردمی نسبت به آینده‌ساز بودن قوانین، مشارکت گروه‌های مدنی و صنفی در تدوین سناریوها و استفاده از پلتفرم‌های جمع‌سپاری قانونی.
- در جدولی که در ادامه خواهد آمد، خلاصه توصیه‌های سیاستی به همراه الزام‌ها و ملاحظات آن درج شده است.

جدول ۲. پیشنهاد‌های توصیه سیاستی

ردیف	نوع توصیه		گزاره سیاستی	الزام‌ها و قیود اجرایی	دستگاه متولی	دستگاه معین	زمان‌بندی اجرا	ملاحظات
	تداوم*	اصلاح**						
۱	*		افزودن «پیوست آینده» به لوایح و طرح‌های کلیدی	نیازمند اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس و تدوین الگوی استاندارد پیوست آینده؛ ایجاد واحد تخصصی برای ارزیابی پیوست‌ها؛ آموزش کارشناسان کمیسیون‌ها	هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی	مرکز پژوهش‌های مجلس	میان‌مدت	هم‌افزایی با پیوست‌های موجود (زیست‌محیطی، فرهنگی) ضروری است؛ اجرای آزمایشی در چند حوزه پرریسک پیشنهاد می‌شود.
۲	*		نهادینه‌سازی آینده‌نگاری در آیین‌نامه داخلی مجلس	تشکیل فرآکسیون آینده‌نگاری در مجلس شورای اسلامی؛ تعیین اختیارات و تعامل با کمیسیون‌های تخصصی؛ پیش‌بینی سازوکار مشورتی در مراحل اولیه تصویب طرح‌ها	هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی	مرکز پژوهش‌های مجلس	کوتاه‌مدت	تمرکز بر تقویت ظرفیت داخلی مجلس؛ تداخل وظیفه با کمیسیون‌های کارشناسی باید کنترل شود.
۳	*		تصویب قانون یا ماده‌واحد برای حمایت از آینده‌نگاری در نظام قانونگذاری	تدوین پیش‌نویس قانونی برای تعیین جایگاه حقوقی آینده‌نگاری، تخصیص ردیف بودجه و معیارهای ارزیابی کیفیت خروجی‌ها؛ نیازمند اجماع در کمیسیون‌های فرهنگی و برنامه‌بودجه	کمیسیون برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس	مرکز پژوهش‌های مجلس	بلندمدت	این قانون می‌تواند مبنای نهادی‌سازی رسمی آینده‌نگاری در تقنین باشد؛ پیوند با برنامه‌های توسعه و نظام ارزیابی ملی تومیه می‌شود.

ردیف	نوع توصیه		گزاره سیاستی	الزام‌ها و قیود اجرایی	دستگاه متولی	دستگاه معین	زمان‌بندی اجرا	ملاحظات
	تداوم*	اصلاح**						
۴		*	الزام دولت به ارائه تحلیل‌های آینده‌نگر در برنامه‌های کلان	نیازمند تعریف الزام‌ها در آیین‌نامه داخلی مجلس و دستورالعمل‌های نظارتی؛ هماهنگی با سازمان برنامه و بودجه برای افزودن بخش آینده‌نگر به برنامه‌های توسعه و بودجه؛ فعال‌سازی ابزارهای نظارتی مجلس	کمیسیون برنامه و محاسبات مجلس	مرکز پژوهش‌های مجلس، دیوان محاسبات کشور	میان‌مدت	لازم است در چارچوب تعامل نهادهای با دولت پیش برود؛ می‌تواند از الگوی آینده‌نگاری راهبردی استفاده کند؛ نتایج باید به صورت گزارش سالیانه به صحن مجلس ارائه شود.
۵		*	نظارت بر عملکرد نهادهای اجرایی آینده‌نگاری	طراحی سازوکار گزارش‌دهی منظم دستگاه‌های اجرایی درباره استفاده از آینده‌نگاری در خط‌مشی‌گذاری‌ها؛ تدوین شاخص‌های سنجش عملکرد آینده‌نگرانه توسط مرکز پژوهش‌ها؛ ارائه گزارش تحلیلی سالیانه به کمیسیون‌های تخصصی	معاونت نظارت مجلس شورای اسلامی	مرکز پژوهش‌های مجلس	میان‌مدت تا بلندمدت	اجرای مرحله‌ای در حوزه‌های پرریسک مانند فناوری و محیط زیست پیشنهاد می‌شود؛ نتایج ارزیابی می‌تواند مبنای بودجه‌ریزی عملکردی قرار گیرد.
۶		*	توسعه نظام آموزش آینده‌نگاری برای نمایندگان و مشاوران	نیازمند طراحی سرفصل آموزشی متنوع و بومی‌سازی ابزارهای آینده‌نگر؛ پیش‌بینی بودجه و زمان برای اجرای دوره‌ها؛ آموزش مربیان و تسهیل‌گران متخصص	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	معاونت آموزش، پژوهش و فناوری مجلس	کوتاه‌مدت تا میان‌مدت	اجرای آزمایشی در کمیسیون‌های منتخب؛ تأکید بر روش‌های فعال و تعاملی؛ ارزیابی اثربخشی دوره‌ها به صورت سالیانه توصیه می‌شود.
۷		*	استفاده از فناوری‌های نوین برای تحلیل آینده‌ها	نیازمند طراحی سامانه هوشمند تحلیل داده و داشبورد تصمیم‌یار؛ تأمین زیرساخت‌های IT و امنیت داده؛ آموزش کاربران نهایی (کارشناسان و نمایندگان)	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	معاونت فناوری اطلاعات، مرکز داده‌های ملی	میان‌مدت	امکان اتصال به پایگاه‌های داده ملی و بین‌دستگاهی؛ استفاده از هوش مصنوعی و تحلیل کلان‌داده برای شناسایی روندهای آتی؛ باید سازوکار حفظ حریم خصوصی و امنیت داده رعایت شود.
۸		*	ترویج مشارکت عمومی در آینده‌نگاری قانونگذاری	طراحی پلتفرم‌های جمع‌سپاری، نظرسنجی و مشارکت مدنی؛ تدوین چارچوب حقوقی و آیین‌نامه‌ای برای تعامل با گروه‌های مدنی و صنفی؛ مدیریت داده و بازخوردها	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	معاونت فرهنگی و روابط عمومی مجلس	میان‌مدت	تأکید بر شفافیت و قابلیت دسترسی عمومی؛ می‌توان با اجرای آزمایشی در حوزه قوانین پرریسک آغاز کرد؛ نتایج مشارکت عمومی می‌تواند در تدوین سناریوها و ارزیابی قوانین به‌کار رود.

* تداوم یا تقویت آیت‌ها یا اقدام‌ها.
** اصلاح رویه‌ها یا ایجاد سازوکارها.
مأخذ: همان.



آنچه در این گزارش آمد، صرفاً فهرستی از توصیه‌ها نبود، بلکه نقشه راهی برای گذار از خط‌مشی‌گذاری واکنشی به حکمرانی آینده‌ساز بود. آینده‌نگری زمانی به فرهنگ نهاد تقنین بدل می‌شود که:

- از سطح دانایی به سطح کنش‌مندی برسد؛
 - از ابزار به ساختار و از ساختار به عادت فکری و رفتاری ارتقا یابد؛
 - و از حاشیه تحلیل‌های فنی، به قلب فرایندهای قانونگذاری گام گذارد.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، به عنوان بازوی کارشناسی و آینده‌نگر قوه مقننه، نقش بی‌بدیلی در این تحول دارد. اگر این مسیر با تدبیر، اجماع‌سازی و آموزش مستمر دنبال شود، می‌توان امید داشت که مجلس آینده جمهوری اسلامی ایران، نه فقط بازتاب صدای حال حاضر، بلکه نماینده نسلی باشد که هنوز متولد نشده‌اند؛ نسلی که شایسته قوانینی دوراندیش، منعطف، مشارکتی و مسئولانه است.

منابع و مآخذ

- [1] Erik Solem, K. Integrating foresight into government. Is it possible? Is it likely?. Foresight. 2011, 13(2), Pp. 18-30.
- [2] Tonn, B. A design for future-oriented government. Futures. 1996, 28(5), Pp. 413-431.
- [3] Umbach, G. Futures in EU governance: Anticipatory governance, strategic foresight and EU Better Regulation. European Law Journal. 2024, 30(3), Pp. 409-421.
- [4] Ramos, J. M. Anticipatory governance: Traditions and trajectories for strategic design. Journal of Futures Studies. 2014, 19(1), Pp. 35-52.
- [5] Koskimaa, V., & Raunio, T. Expanding anticipatory governance to legislatures: The emergence and global diffusion of legislature-based future institutions. International Political Science Review. 2024, 45(2), Pp. 261-277.
- [6] Airos, M., Ahlqvist, T., Knudsen, M., Mutanen, A., Rapeli, L., Schauman, J., Setälä, M., Taskinen, M., Taylor, A. Strengthening foresight and the role of future generations in Finnish lawmaking. Government's analysis, assessment and research activities. 2022.
- [7] Van Woensel, L. Guidelines for foresight-based policy analysis. 2021. Available at: [https://www.europarl.europa.eu/stoa/en/document/EPRS_STU\(2021\)690031](https://www.europarl.europa.eu/stoa/en/document/EPRS_STU(2021)690031).
- [8] Van Woensel, L. Foresight in EU policy making: Purpose, mindsets and methods. European Law Journal. 2024, 30(3), Pp. 361-381.
- [9] Havas, A. Governing Policy Processes and Foresight: Potential Contributions and Inherent Tensions. On Prospective Technology Studies. 2011, 1-18.
- [10] Havas, A., Schartinger, D., & Weber, M. The impact of foresight on innovation policy-making: recent experiences and future perspectives. Research evaluation. 2010, 19(2), Pp. 91-104.
- [11] Bontoux, L. Foresight for policy – addressing the challenges for policy impact, Eur. J. Public Health. 2022, 32(3).

[۱۲] نصر اصفهانی، علیرضا. رادنژاد، نیلوفر. کوهی اصفهانی، احمد. «چارچوب تدوین پیوست آینده»، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس. ۱۴۰۴، شماره مسلسل ۲۰۵۸۸.

[13] M. Panizzon and Janissek-Muniz, R. Theoretical Dimensions for Integrating Research on Anticipatory Governance, Scientific Foresight and Sustainable S&T Public Policies Design, *Technology in Society*. 2025, 80.

[14] Fishbein, W. H. Prospective sense-making: A realistic approach to 'foresight for prevention' in an age of complex threats. In *Forecasting, Warning and Responding to Transnational Risks*. 2011 (pp. 227-240). London: Palgrave Macmillan UK.

[15] Warnke, P., & Heimeriks, G. Technology Foresight as Innovation Policy Instrument – Learning from Science and Technology Studies. 2009. Available at: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1409750>

[16] Msangi, S. Visioning Change and Alternative Futures: Foresight as a research and planning tool. *Development*. 2013, 56(4), Pp. 491-499.

[17] Sus, M., & Himmrich, J. The impact of foresight on policymaking: towards more transparency and participation, *G20-insights*. 2017, 1–6.

[18] Paliokaitė, A., Pačėsa, N., & Sarpong, D. Conceptualizing Strategic Foresight: An Integrated Framework, *Strateg. Chang*. 2014, 23(3–4), Pp. 161–169.

[19] Van't Klooster, S. A., Cramer, T., & van Asselt, M. B. A. Foresight in action: A longitudinal study based on a 25-year journey in the world of policy-oriented foresight, *Futures*. 2024, 155. doi: <https://doi.org/10.1016/j.futures.2023.103294>.

[20] Pezzulo, G., & Rigoli, F. The value of foresight: How prospection affects decisionmaking, *Frontiers in Neuroscience*. 2011, 5, Pp. 1-5.

[21] Daheim, C., & Hirsch, S. Emerging Practices in Foresight and Their Use in STI Policy, *STI Policy Rev*. 2015, 6(2), Pp. 24–53.

[22] Washington, S. Hindsight, foresight, insight: three lenses for better policy-making, *Int. Rev. Public Adm*. 2023, 28(2), Pp. 255–264,

عنوان: قانونگذاری و تنظیم‌گری‌های آینده‌ساز: نهادینه‌سازی از طریق فرهنگ‌سازی



DOI: [10.22034/mrc.report.21643](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21643)

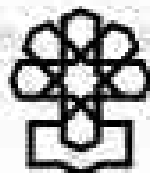
Permanent Link:

Publisher: Islamic Parliament Research Center of Iran



گزیده سیاستی

ایجاد فرهنگ آینده‌نگری در خطمشی‌گذاری و تقنین، مسیری برای گذار از خطمشی‌گذاری واکنشی به حکمرانی آینده‌ساز است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

